



# کانون

ماهنامه

## کانون دموکراتیک پناهندگان

دوره دوم - شماره سه - دسامبر ۲۰۱۱



### سرمقاله



### شرایط پناهندگی قابل تغییر است!

قبل از هر چیز می‌خواهم یک تعریف کلی و جامع، از پناهندگی داشته باشم که اصولاً به چه کسی پناهنده گفته می‌شود و تحت چه شرایطی یک فرد به عنوان پناهنده، در کشوری دیگر پذیرفته می‌شود.

در منابع بین‌المللی و در کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، تعریف فراگیری از پناهنده ارائه داده و می‌گوید: پناهنده کسی است که به علت ترس موجه از این که به علل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیت یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرد، در خارج کشور اصلی خود به سر می‌برد و نمی‌تواند و یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد به آن کشور باز گردد.

ادامه مقاله در صفحه ۲

پیام تبریک

کانون دموکراتیک پناهندگان  
بمناسبت  
سال نو میلادی

کانون دموکراتیک پناهندگان، سال نو میلادی را به همه هم‌میهنان مسیحی در سراسر جهان تبریک می‌گوید.

به همین مناسبت برای تمامی هم‌میهنان مسیحی چه در داخل و چه در خارج کشور آرزو مند سالی پر از اتحاد و همدلی برای سرنگونی جمهوری اسلامی به دور از هر باور و آیینی بین هم‌میهنان آزادی‌خواه و تابش خورشید آزادی و عدالت اجتماعی در جامعه‌ی تم‌دیده ایران و دمیدن صبح‌رانی خلق‌های ایران زمین در سال جدید، هستیم. با آرزوی سالی با شکوه و پر موفقت برای شاعرین ایران

کانون دموکراتیک پناهندگان

اطلاعیه کانون دموکراتیک پناهندگان  
صفحه ۳

قطعه‌نامه کانون به مناسبت روز جهانی حقوق بشر  
صفحه ۴

طرح افزایش تولید نفت در کنفرانس اوپک  
صفحه ۵

انتقال مراکز غنی‌سازی برنامه جدید رژیم تهران  
صفحه ۶

متن اعلامیه جهانی حقوق بشر  
صفحه ۷ و ۸

کارنامه حقوق بشری جمهوری اسلامی  
صفحه ۹

سرکوب روزنامه نگاران و رسانه‌ها در ایران  
صفحه ۱۰

سرکوب روزنامه نگاران و رسانه‌ها در ایران  
صفحه ۱۱

طرح تحریم بانک مرکزی در مجلس سنا  
صفحه ۱۲

رژیم اسلامی با اشغال سفارت انگلیس چه اهدافی را دنبال می‌کند؟  
صفحه ۱۳

منع انتقال پناجویان به کشور میدا در اروپا  
صفحه ۱۴ و ۱۵

درد ادیبان کهن سرا، فریاد اعتراض ادیبان نوین  
صفحه ۱۶ و ۱۷

جنبش بابک خرم‌دین  
صفحه ۱۸

**بدانیم، بیان‌دیشیم، بپاخی‌زیم!**

## صادق انشائی

مسئول کانون دمکراتیک پناهندگان

## شرایط پناهندگی قابل تغییر است!

قبل از هر چیز می‌خواهم یک تعریف کلی و جامع، از پناهندگی داشته باشم که اصولاً به چه کسی پناهنده گفته می‌شود و تحت چه شرایطی یک فرد به عنوان پناهنده، در کشوری دیگر پذیرفته می‌شود.

در منابع بین‌المللی و در کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، تعریف فراگیری از پناهنده ارائه داده و می‌گوید: پناهنده کسی است که به علت ترس موجه از این‌که به علل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیت یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرد، در خارج از کشور محل سکونت عادی (کشور اصلی خود) به سر می‌برد و نمی‌تواند و یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد به آن کشور بازگردد. به عبارتی دیگر می‌توان چنین گفت که پناهنده یک شخص بیگانه‌ای است در یک کشور دیگر که به دلیل ترس از جان و مال و آزادی و شکنجه از وطن خود گریخته و به جایی دیگر پناه آورده است.

اصولاً دلیل اصلی پناهندگی، ترس از آزار و اذیت و تعقیب است که شخص مجبور به ترک خانه و کاشانه و خاک وطن خود و خانواده می‌شود، قید همه چیز را می‌زند و حتی مجبور به ترک محل خاطرات خود به اجبار می‌شود و وقتی به کشور دیگری به عنوان پناهنده وارد می‌شود، تشخیص دادن اینکه آیا این شخص پناهنده واقعی است یا نه و آیا مورد قبول واقع می‌شود یا نه؟ با کشور پذیرنده است و آن هم با بررسی همه جانبه طبق قوانین بین‌المللی، این درخواست را می‌پذیرد یا رد می‌کند.

از نظر قوانین و منابع بین‌المللی، می‌شود گفت که هر شخص در شرایط خاص که در معرض خطر و ترس قرار گیرد، حق دارد به کشورهای دیگری پناهنده شود و کشورهای مورد تقاضای شخص که عضو سازمان ملل باشند، مکلف به پذیرش اینگونه اشخاص می‌باشند. حال نگاهی می‌اندازم به شرایط پناهندگی در کشور سوئیس که در آن زندگی می‌کنیم. از سال ۲۰۰۴، لوایح مختلفی علیه پذیرش متقاضیان پناهندگی در سوئیس قانونی

شد. این مصوبات موجی از اعتراض را به همراه داشته است، از کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل گرفته تا کانون دمکراتیک پناهندگان، سازمانها و احزاب مختلف سیاسی و حتی کلیساها، همه نسبت به ابعاد هولناک این تعرض هشدار داده و اعتراض کرده‌اند!

بدیهی است که کانون دمکراتیک پناهندگان با طرح و تصویب چنین لوایحی که تجاوز آشکار به حقوق پناهندگی است، مقابله خواهد کرد. توطئه دولت هائی اروپائی علیه پناجویان و پناهندگان در هر کشوری، بستگی دارد به غلظت و وابستگی و اطاعت سیاسی-اقتصادی آن کشور. چندین سال است که تهاجمات سوئیس علیه پناجویان ابعاد وسیعی به خود گرفته است که اگر از حمایت وحدت عمل اعتراضی برخوردار نشود، تبدیل به فاجعه خواهد شد.

آیا سوئیس قوانین بین‌المللی را رعایت می‌کند یا نه؟ آیا کشور میزبان ارزش‌های انسانی را برای یک انسان یا به عبارتی دیگر یک پناهنده که از کشور خود گریخته و از دست دژخیمان جمهوری اسلامی به اینجا پناه آورده قائل می‌شود یا نه؟ با کمال تأسف باید بگویم که خیر، چنین نیست و حتی حداقل حقوق انسانی را که حق اقامت موقت و شامل محل زندگی و شرایط روحی و روانی مناسب برای یک فرد می‌باشد را برای پناهنده قائل نمی‌شود و بعضاً در شرایط آسف باری زندگی می‌کنند. که با دیدن اینگونه موارد، در جایی که مهد قانون حقوق بشر می‌باشد و کشور میزبان به دلیل داشتن روابط تجاری و بده بستان‌های آنچنانی، خیلی راحت اینگونه حق و حقوق انسانها را زیر پا می‌گذارد و با انسانها وارد بازی بدی می‌شود که باعث می‌شود پناهنده نا امید شود.

یعنی کسی که در آن شرایط سخت کشور خود با تمام مشکلات از همه چیز خود می‌گذرد، کوله بار خود را می‌بندد و سر به بیابان می‌کشد به امید اینکه بتواند در جایی که می‌رود، آزادی را به معنی واقعی و حقوق بشر را با تمام وجود حس کند و بتواند یک زندگی معمولی که در آن امنیت باشد را شروع کند، ولی بعد از مدتی می‌بیند که حتی اینجا که دم از حقوق بشر و آزادی و عدالت می‌زنند، خبری از اینگونه مسائل نیست و تمام این‌ها یک بازی با انسانها می‌باشد.

حال در چنین شرایطی که پناجویان و پناهندگان در بدو ورود و یا شاید پس از سالها زندگی در سوئیس هنوز از قوانین پناهندگی هیچگونه اطلاعی ندارند و بیشتر اوقات حتی وکلای دولتی هم، این اطلاعات را درست در اختیار پناجویان قرار نمی‌دهند، چه کار باید کرد؟ آیا در این شرایط و موقعیت حساس غیر از این است که به یکدیگر کمک کرد و در کنار هم بود و یکصدا فریاد زد مرگ بر جمهوری اسلامی که ما را به اینگونه آواره دنیا کرد و آیا نباید یکصدا فریاد زد و به کشور سوئیس گفت که دیگر بس است همکاری با این دژخیمان عمامه به سر از خدا بی‌خبر، و آیا نباید حداقل اطلاعات درست به یکدیگر داد تا در یک کشور غریب گرفتار درد سر و منفی و ترک خاک نشد؟ بله، کانون دمکراتیک پناهندگان خانه امیدی است برای پناهندگان و پناجویان و حتی کسانی که سالها از ورودشان به سوئیس می‌گذرد ولی هنوز قوانین را نمی‌دانند. کانون که سالهاست این اطلاعات را در اختیار پناجویان گذاشته و اینک نیز با یک برنامه ریزی مشخص تر این اطلاعات ارزنده را به طور رایگان در اختیار همگان قرار خواهد داد. راه برخورد با این تهاجمات که به سمت بحرانی خطرناک در حرکت است، به خود آمدن ما و ایجاد میدان مقاومت جمعی در اشکال مختلف است و بس. همدیگر را پیدا کنید و به سازماندهی قدرتمند در کانون دمکراتیک پناهندگان بپردازید.

می‌بایست مسئله پناهندگی را هر چه بیشتر در جامعه مطرح نمود، باید تبلیغات ضد پناهندگی دول اروپایی به سرعت از جانب ما خنثی شود. باید نقش و روابط دولتها و تاثیر قراردادهای اقتصادی بر سرنواشت پناهندگان را برای افکار عمومی کشور‌های میزبان افشا نمود. باید از همه امکانات برای این مصاف (رو در روی) استفاده نمود. قطعا خیل عظیم انسانهای شریف و آزادیخواه در این مبارزه در کنار ما می‌باشند.

اطلاعیه‌ای جدیدی از طرف کانون دمکراتیک پناهندگان صادر شده است که می‌توانید آنرا در سایت کانون و یا در صفحه ۳ همین شماره نشریه فارسی کانون مشاهده نمایید.



**بدانیم، بیان‌دیشیم، بپاخیزیم!**



## قابل توجه پناهجویان و پناهندگان!

### پناهجویان و پناهندگان عزیز!

شما وارد کشور سوئیس شده و تقاضای پناهندگی کردید. کشورهای جامعه اروپا و سوئیس تلاش می کنند که قوانین پناهندگی خود را تغییر دهند و روز به روز شرایط زندگی برای متقاضیان پناهندگی سخت تر می شود. حالیا پناهجویان هم بدون دانستن قوانین پناهندگی، نه می توانند و نه قادر هستند که مطابق مصوبات کنوانسیون بین المللی ۱۹۵۱ ژنو و قوانین کمیسیون حقوق بشر جامعه اروپا از خود دفاع کنند. لذا به اطلاع شما می رسانیم برای دریافت کمک و راهنمایی، می توانید با **کانون دمکراتیک پناهندگان** که در این زمینه ها فعال می باشد، تماس گرفته و از مشاورت حقوقی رایگان کانون بهره مند شوید.

با توجه به تعداد انبوه پناهندگان ایرانی در سوئیس و نبود یک پایگاه جامع اطلاع رسانی، تصمیم گرفته شد که فعالیت های اطلاع رسانی و کمک رسانی **کانون دمکراتیک پناهندگان** به پناهجویان و پناهندگان به صورت هماهنگ و برنامه ریزی شده پیش برود. لذا کانون با افراد متخصص و با تجربه در این زمینه آماده کمک رسانی است. اغلب افرادی که در کانون فعالیت دارند طعم تلخ رانده شدن از وطن و پناهجویی را تجربه کرده اند. **کانون دمکراتیک پناهندگان** می تواند کمکهای موثری به پناهجویان بنماید. همکاران ما در بسیاری از کانتون های سوئیس حضور دارند و در صورت نیاز پناهجویان می توانند با آنها تماس داشته و از کمک های آنها برخوردار شوند.

تماس های مکرر پناهجویان با **کانون دمکراتیک پناهندگان** و ازدیاد سئوالات و درخواست کمک، سبب شده است که کانون در این زمینه فعال تر سازماندهی شود و تصویر روشنی از وضعیت و شرایط پناهندگی در کشور میزبان داشته باشد. از طرفی **کانون دمکراتیک پناهندگان** با قوانین جاری پناهندگی بین المللی و سوئیس به خوبی آشنا هست و با توجه به تجربه کاری، می تواند کمک های موثری به پناهجویان ارائه نماید. **کانون دمکراتیک پناهندگان** سعی در برقراری ارتباط مداوم با وکلای کارشناس در امور پناهندگی و مهاجرت، افراد فعال در زمینه حقوق بشر، احزاب و گروههای سیاسی و سایر ارگانهای حقوق بشری دارد تا بتواند حمایت آنان را جهت کمک به پناهجویان ایرانی جلب نماید.

**شما عزیزان می توانید همه روزه با شماره تلفن ۰۷۶۴۲۲۲۹۲۱ تماس حاصل نمایید و با قرار از پیش تعیین شده جمعه های هر هفته از ساعت ۱۴ تا ۱۶ بصورت حضوری از مشاوره رایگان بهره مند شوید.**

## کانون دمکراتیک پناهندگان

**بدانیم، بیاندیشیم، بپاخوریم!**



### قطعهنامه

#### کانون دموکراتیک پناهندگان

به مناسبت روز جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۲۰۱۱ در زوریخ

#### خانم ها و آقایان گرامی

شصت و سه سال پیش در چنین روزی منشور حقوق بشر توسط مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید. به همین دلیل روز ۱۰ دسامبر روز جهانی حقوق بشر اعلام شده است. در حالی که وضعیت حقوق بشر در [دموکراسی های] جهان غرب دائما در حال بهبودی است، ما نظاره گر نقض فاحش حقوق بشر توسط رژیم جمهوری اسلامی در ایران هستیم. جمهوری اسلامی در راستای بقای خود [از زمان تاسیس تا به امروز] حذف سیستماتیک منتقدان و دگر اندیشان را در پیش گرفته است.

#### گزارش احمد شهید، گزارشگر حقوق بشر در مورد ایران

در تاریخ ۲۳ نوامبر ۲۰۱۱ احمد شهید، گزارشگر حقوق بشر در مورد ایران، اولین گزارش خود را در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران ارائه نمود. (۱) احمد شهید در این گزارش به موارد زیر پرداخته است:

- الف) فعالان در جامعه مدنی [شهروندی] (فعالان سیاسی، روزنامه نگاران، وکلا، هنرمندان، فعالان دانشجویی و فعالان محیط زیست)
- ب) آزادی تجمعات
- پ) حقوق زنان
- ت) اقلیت های قومی و مذهبی
- ث) حکم اعدام
- ج) حکم زندان به دلیل تماس با افراد خارج از کشور

در گزارش احمد شهید افشای جنایات؛ جنایتی که سیستماتیک وار توسط جمهوری اسلامی صورت میگیرد آشکار است. او در این گزارش به زندانیان سیاسی که تحت "تهدید و شکنجه" قرار دارند، اشاره میکند. این گزارش فقدان آزادی تجمعات، سرکوب فعالان زن و سرکوب اقلیت های قومی و مذهبی را نقد میکند. از این گذشته افزایش تعداد اعدام ها در ایران به عنوان دلیلی برای نگرانی ابراز شده است.

#### اعدام ها در جمهوری اسلامی

در ایران برای فعالیت های سیاسی در راستای انحلال سیستم سیاسی؛ توهین به خداوند؛ قتل؛ قاچاق مواد مخدر و ... حکم اعدام در نظر گرفته شده است. طبق گزارش راهانا (خانه حقوق بشر ایران) از آغاز سال جاری تا کنون (۷ دسامبر ۲۰۱۱) ۳۱۲ نفر اعدام شده اند.

#### کانون دموکراتیک پناهندگان با این قطعهنامه خواستار موارد زیر است:

- (۱) سرنگونی تمامیت نظام جمهوری اسلامی
- (۲) آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی
- (۳) اعزام هیاتی از طرف سازمان ملل جهت تحقیق در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی
- (۴) فعالیت گسترده جامعه جهانی و سازمان های حقوق بشری در راستای محکومیت (مجدد) جمهوری اسلامی به دلیل نقض سیستماتیک حقوق بشر

کانون دموکراتیک پناهندگان معتقد است که جمهوری اسلامی اصلاح پذیر نیست و شرط استقرار یک حکومت سکولار - دموکرات در ایران را سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی میداند.

#### کانون دموکراتیک پناهندگان

۱۰ دسامبر ۲۰۱۱

**بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!**

همچنین بازداشت دو نفر در آمریکا که مرتبط با رژیم ایران و متهم به طراحی ترور سفیر عربستان سعودی در واشنگتن هستند، به تنش‌ها میان دو کشور ایران و آمریکا افزوده است. پیامد این رخدادها تشدید تحریم‌های یکجانبه علیه ایران از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا در هفته‌های اخیر بوده است. این تحریم‌ها بخش‌های حساس اقتصاد ایران از جمله صنعت نفت، پتروشیمی، بانک‌ها و موسسات مالی را هدف گرفته‌اند. این تحریم‌ها در حالی است که احتمال حمله نظامی اسرائیل به تاسیسات اتمی ایران نیز به عنوان یک گزینه از وزنی بالا برخوردار است.

قاسمی در ادامه گفت: «از یک سو متعهد هستیم از عرضه‌ی کافی نفت خام به بازار جهانی اطمینان حاصل کنیم. از سوی دیگر با چشم‌اندازی از اقتصاد جهان مواجه هستیم که می‌تواند در ماه‌های آتی در جهت‌های مختلف در نوسان باشد. به عبارت دیگر شرایط می‌تواند منجر به بهبود اقتصادی پایدار شده یا مجدداً به بروز کساد و یا حتی رکود بیانجامد. در نشست روز چهارشنبه‌ی اوپک، وزیر نفت عراق به عنوان رئیس دوره‌ی آینده‌ی اوپک انتخاب شد. ریاست ایران با آغاز سال نوی مسیحی به پایان می‌رسد.

## تصویب افزایش تولید نفت در کنفرانس اوپک و نگرانی‌های رژیم



بنا به تصمیم اعضای اوپک، تولید نفت از ۲۵ میلیون بشکه در روز به ۳۰ میلیون خواهد رسید. رستم قاسمی، وزیر نفت رژیم مدعی شد، نماینده عربستان به او اطمینان داده، در صورت تحریم نفتی ایران، عربستان کمبود نفت را جبران نخواهد کرد. پیش از آغاز کنفرانس اوپک در روز چهارشنبه (۱۴ دسامبر/۲۳ آذر) رستم قاسمی، وزیر نفت رژیم در پاسخ به خبرنگاری که پرسیده بود، آیا با رساندن تولید نفت به مرز ۳۰ میلیون در روز موافقت کرده‌اند؟ گفت: فعلاً بحث ۳۰ میلیون مطرح نیست، بلکه بازار مهم است و باید ببینیم، کشتش بازار چیست. مهم‌ترین تصمیم این کنفرانس که در محل دبیرخانه‌ی اوپک در وین برگزار شد، افزایش سقف تولید نفت خام به میزان ۳۰ میلیون بشکه در روز بود. به گفته‌ی وزیر نفت ایران، علت این تصمیم "تعادل در بازار" بوده است. تولید نفت اوپک در سه سال گذشته به طور رسمی ۲۵ میلیون بشکه در روز بوده اما دوازده عضو اوپک در حال حاضر ۳۰ میلیون بشکه نفت تولید می‌کنند.

## هشدار برژینسکی درباره خطر جنگ آمریکا با ایران

زیگنیو برژینسکی، مشاور امنیت ملی جیمی کارتر، رئیس جمهور سابق ایالات متحده هشدار داده که سیاستی که آمریکا در برخورد با ایران در پیش گرفته ممکن است به جنگی با پیامدهای فاجعه‌بار میان دو کشور منجر شود. مشاور امنیت ملی جیمی کارتر که سه‌شنبه شب (۱۳ دسامبر) در واشنگتن در اتاق فکر "شورای آتلانتیک" سخنرانی می‌کرد، گفته است، ما تصور می‌کنیم که از طریق تشدید فشار بر ایران می‌توانیم از بروز جنگ جلوگیری کنیم. مشاور سابق امنیت ملی آمریکا که همچنان یکی از مردان با نفوذ در سیاست خارجی آمریکاست، افزود هر اندازه فشارها بر ایران را افزایش دهیم، اگر این فشارها نتیجه‌بخش نباشند، به همان اندازه خطر جنگ افزایش پیدا می‌کند. برژینسکی گفت، او نگران تشدید «جنگ لفظی» میان ایران و آمریکاست. او افزود، به نظر می‌رسد رویکرد ایالات متحده در ارتباط با برنامه‌ی هسته‌ای ایران، بطور انعطاف‌ناپذیر بر وادار کردن این کشور به تن دادن به خواست‌های جامعه بین‌المللی متمرکز است.

برژینسکی بطور مکرر نگرانی خود را در این مورد ابراز داشت که ممکن است ایالات متحده به سوی درگیری نظامی با ایران کشیده شود. او گفت، اگر ما به جنگ با ایران کشیده شویم، پیامدهای آن برای ما هم در مقیاسی گسترده و هم در سطح جهان، فاجعه‌آمیز خواهد بود. تنش میان ایران و ایالات متحده آمریکا در ماه‌های اخیر، بویژه پس از انتشار آخرین گزارش یوکیا امانو، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی افزایش یافته است. مدیرکل آژانس در این گزارش از ابعاد احتمالاً نظامی برنامه‌ی اتمی ایران و عدم همکاری کافی ایران با آژانس ابراز نگرانی کرده است.



مشاوران سابق کاخ سفید در این امر هم‌عقیده بودند که جهان در یک نقطه عطف تاریخی از هنگام فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دو دهه پیش قرار گرفته است. جنبش فراگیر در خاورمیانه که به "بهار عربی" موسوم شده و نیز برآمدن قدرت بزرگی همچون چین از نشانه‌های این دوره‌ی تاریخی است. برژینسکی گفت، ما نیاز به درک عمیق‌تر از چالش‌های بین‌المللی داریم که ایالات متحده با آنها در پهنه جهان روبروست. او افزود، یکی از دلهره‌آورترین موضوعات این است که ما در مقایسه با گذشته با چالش‌های پیچیده‌تری مواجه هستیم. برژینسکی همچنین خواستار «مدیریت هوشمندانه» در عرصه سیاست خارجی آمریکا شد.

وی تصریح کرد که عدم‌آگاهی عمومی، ترس و عوام‌فریبی مانع پیشبرد مدیریتی هوشمندانه می‌شود. مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا که در سال ۲۰۰۸ میلادی از نامزدی باراک اوباما برای احراز مقام ریاست جمهوری پشتیبانی کرده بود افزود ما در شرایط عجیبی به سر می‌بریم. در حالی که اوباما و حزب دمکرات خواهان ادامه حکومت هستند، رقیبان جمهوری خواه از سیاستی افراطی و یا از برنامه‌های پشتیبانی می‌کنند که مبتنی بر اطلاعاتی محدود است. برژینسکی در پایان درباره دو حزب دمکرات و جمهوری خواه گفت: «حزب حاکم دچار انجماد و حزب بیرون از قدرت کامل دیوانه شده است.

**بدانیم، بیانیشیم، بپاخیزیم!**

## انتقال مراکز غنی‌سازی؛ برنامه جدید رژیم تهران



رئیس سازمان پدافند غیرعامل جمهوری اسلامی اعلام کرده ایران در صورتی که ضروری باشد، آماده است مراکز غنی‌سازی اورانیوم را به مکان‌های امن‌تری منتقل کند. وی همچنین از ساخت آنتی‌ویروس برای مقابله با ویروس "دوکو" خبر داده است. پاسدار غلامرضا جلالی با تأکید بر اینکه آسیب پذیری ایران هم اکنون در حوزه هسته‌ای به حداقل رسیده، گفت: «اگر شرایط ایجاب کند ما مراکز غنی‌سازی اورانیوم را به مکان‌های امن‌تری منتقل خواهیم کرد». وی همچنین در مورد اقداماتی که تا کنون برای ایمن‌سازی تأسیسات هسته‌ای ایران انجام شده اظهار داشته که ایمن‌سازی زیرساخت‌ها،

ایمن‌سازی سایبری و نیز تفکیک حوزه‌های خطر از یکدیگر انجام شده است. این مقام نظامی رژیم همچنین گفته: اگر آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها می‌توانستند به تأسیسات هسته‌ای ما حمله کنند و به آن ضربه بزنند قطعاً تاکنون این کار را انجام داده بودند. وی در مورد ایمنی نیروگاه اتمی بوشهر به قوانین بین‌المللی اشاره کرده و تأکید کرده که پروتکل‌ها و قوانین بین‌المللی مانع حمله به این نوع مراکز می‌شود. پاسدار جلالی سپس با اشاره به محل نیروگاه اتمی بوشهر گفت: به دلیل اینکه نیروگاه اتمی بوشهر در منطقه مرزی کشور واقع شده لذا هر گونه تهاجمی علیه آن موجب به خطر افتادن امنیت و سلامت کشورهای همسایه می‌شود.

سخنان رئیس سازمان پدافند غیرعامل جمهوری اسلامی در حالی بیان می‌شود که کمتر از یک ماه قبل، در یکی از یادگان‌های سپاه پاسداران در نزدیکی تهران، انفجار مهیبی روی داد. مقامات ایران این انفجار را ناشی از جا به جایی مهمات خواندند اما رسانه‌های غربی از قول منابع مطلع از دست داشتن سرویس‌های امنیتی اسرائیل و آمریکا در این انفجار خبر دادند.

## «آنتی ویروس جاسوسی ساخته‌ایم»

رئیس سازمان پدافند غیرعامل در بخش دیگری از سخنانش درباره حمله سایبری اخیر به ایران با نام "دوکو" گفت: با انجام نمونه برداری از این ویروس جاسوسی رایانه‌ای موفق به ساخت آنتی ویروس آن شدیم که این آنتی ویروس را در اختیار افراد ذربیط قرار دادیم تا با این ویروس مقابله کنند و به پاکسازی مراکز آلوده بپردازند. وی تأکید کرد که تمامی آزمایش‌ها و فعالیت‌های مربوط به حملات رایانه‌ای تنهادر آزمایشگاه‌های زیر نظر وزارت دفاع انجام می‌شود. ویروس دوکو، سومین ویروسی است که تأسیسات رایانه‌ای ایران را مورد حمله قرار داده است. پیش از آن دو کرم رایانه‌ای "استاکس نت" و "استارس" مراکز حساس ایران از جمله تأسیسات اتمی بوشهر را مورد هدف قرار داده بودند.



## سقوط هواپیمای رادار گریز آمریکایی در خاک ایران

در پی سقوط یک فروند هواپیمای جاسوسی بدون سرنشین آمریکا در ایران، مقامات رژیم بار دیگر تهدید کردند که از این پس علیه فعالیت هواپیماهای جاسوسی آمریکا حتا در خارج از مرزهای خود دست به عمل خواهند زد.

مقامات تهران در عین حال در اعتراض به این فعالیت‌ها رسماً خواستار عذرخواهی دولت آمریکا شده اند. پاسدار مسعود جزایری معاون ستاد مشترک نیروهای مسلح جمهوری اسلامی گفته است که حکومت آمریکا به خاطر این اقدام غیرقابل پذیرش بهای سنگینی خواهد پرداخت و از این پس عملیات دفاعی ایران تنها به داخل مرزهای این کشور محدود نخواهد شد و فراتر از مرزهای جغرافیایی آن خواهد رفت. مسعود جزایری سپس خواستار عذرخواهی فوری دولت آمریکا شده است. رژیم ایران مدعی است که با به دست آوردن کنترل الکترونیکی آخرین نمونه از هواپیمای جاسوسی بدون سرنشین آمریکا در داخل حریم هوایی خود آن را بدون ضایعات بسیار در صحرای طیس ایران را به زمین نشانده است. تلویزیون دولتی ایران تصاویری از این هواپیما را به نمایش گذاشته است. مقامات سازمان اطلاعات آمریکا، سیا، می‌گویند که این هواپیما به دلیل نقص فنی در داخل ایران سقوط کرده و سرگرم جمع آوری اطلاعات درباره تأسیسات اتمی ایران بوده است.

در پی سقوط این هواپیما در داخل خاک ایران، مقامات نظامی ایران گفتند که واکنش‌ها و اقدام‌های تلافی جویانه ایران علیه آمریکا فراتر از مرزهای جغرافیایی خواهد رفت. محمد کوثری معاون کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس رژیم گفته است که در صورت تکرار پرواز هواپیماهای جاسوسی آمریکا بر فراز خاک این کشور، ایران پاسخی دهشتناک به آمریکا خواهد داد. او در توضیح این سخن افزوده است که جمهوری اسلامی در اقدامی تلافی جویانه همه پایگاه‌های نظامی آمریکا در جهان را هدف قرار خواهد داد. جمهوری اسلامی در عین حال از طریق سفارتخانه سوئیس که حافظ منافع آمریکا در ایران است رسماً نسبت به عملیات جاسوسی آمریکا توسط هواپیماهای بدون سرنشین اعتراض کرده است.



پنتاگون سقوط هواپیمای رادارگریز آمریکایی در ایران را تایید کرد

یک مقام وزارت دفاع آمریکا، پنتاگون، سقوط هواپیمای رادارگریز آمریکایی در خاک ایران را تایید کرد، اما سخنان برخی از نظامیان درباره تأثیر حملات سایبری در سرنوشتی آن را «مهمل» خواند. پیش‌تر، نیروهای ناتو در افغانستان ناپدید شدن این هواپیمای بدون سرنشین را که از نوع RQ-170 بوده، تایید کرده بودند.

به گزارش واشنگتن‌پست، تکنولوژی جاسوسی به‌کار رفته در هواپیماهای RQ-170 همانی است که در بمب‌افکن‌های یو.اس.بی. ۲ و نیز جت جنگنده F-35 به کار رفته است. طراحی و پیاده‌سازی این تکنولوژی، یکی از گران‌بهایترین پروژه‌های تسلیحاتی در تاریخ پنتاگون بود. این هواپیماها از ابزارهای کلیدی جاسوسی آمریکا در خاورمیانه و آسیای مرکزی‌اند. یکی دیگر از مقامات پنتاگون نیز در گفت‌وگو با واشنگتن‌پست گفت: اگر هم چنین اتفاقی رخ داده باشد، به احتمال ۹۵ درصد نتیجه اختلالات فنی یا مشکلات مکانیکی بوده است.



**بدانیم، بیاندیشیم، بپاخی‌زیم!**

## متن اعلامیه جهانی حقوق بشر



اعلامیه جهانی حقوق بشر که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسیده ، رواق بنای حقوق بشر را تشکیل می دهد که مسئولیت ساخت آن بر عهده ی ملل متحد است. از آن جا که شناسایی حیثیت و کرامت ذاتی تمام اعضای خانواده ی بشری و حقوق برابر و سلب ناپذیر آنان اساس آزادی ، عدالت و صلح در جهان است. از آن جا که نادیده گرفتن و تحقیر حقوق بشر به اقدامات وحشیانه ای انجامیده که وجدان بشر را بر آشفته اند و پیدایش جهانی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده آزاد ، و از ترس و فقر فارغ باشند ، عالی ترین آرزوی بشر اعلام شده است. از آن جا که ضروری است که از حقوق بشر با حاکمیت قانون حمایت شود تا انسان به عنوان آخرین چاره به طغیان بر ضد بیداد و ستم مجبور نگردد؛ از آن جا که گسترش روابط دوستانه میان ملت ها باید تشویق شود ، از آن جا که مردمان ملل متحد ، ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و حیثیت و کرامت و ارزش فرد انسان و برابری حقوق مردان و زنان ، دوباره در منشور ملل متحد اعلام و عزم خود را جزم کرده اند که به پیشرفت اجتماعی یاری رسانند و بهترین اوضاع زندگی را در پرتو آزادی فزاینده به وجود آورند؛ از آن جا که دولت های عضو متعهد شده اند که رعایت جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی های اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تضمین کنند؛ از آن جا که برداشت مشترک در مورد این حقوق و آزادی ها برای اجرای کامل این تعهد کمال اهمیت را دارد؛

مجمع عمومی این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترک تمام مردمان و ملت ها اعلام می کند تا همه ی افراد و تمام نهادهای جامعه این اعلامیه را همواره در نظر داشته باشند و بکوشند که به یاری آموزش و پرورش ، رعایت این حقوق و آزادی ها را گسترش دهند و با تدابیر فزاینده ی ملی و بین المللی ، شناسایی و اجرای جهانی و مؤثر آن ها را ، چه در میان خود مردمان کشورهای عضو و چه در میان مردم

سرزمین هایی که در قلمرو آن ها هستند ، تأمین کنند.

**(ماده ۱)** تمام افراد بشر آزاد زاده می شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق با هم برابرند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه ای برادرانه رفتار کنند.

**(ماده ۲)** هر کس می تواند بی هیچ گونه تمایزی ، به ویژه از حیث نژاد ، رنگ ، جنس ، زبان ، دین ، عقیده ی سیاسی یا هر عقیده ی دیگر ، و همچنین منشاء ملی یا اجتماعی ، ثروت ، ولادت یا هر وضعیت دیگر ، از تمام حقوق و همه ی آزادی های ذکر شده در این اعلامیه بهره مند گردد. به علاوه نباید هیچ تبعیضی به عمل آید که مبتنی بر وضع سیاسی ، قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد ، خواه این کشور یا سرزمین مستقل ، تحت قیمومیت یا غیر خودمختار باشد ، یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد.

**(ماده ۳)** هر فردی حق زندگی ، آزادی و امنیت شخصی دارد.

**(ماده ۴)** هیچ کس را نباید در بردگی یا بندگی نگاه داشت : بردگی و داد و ستد بردگان به هر شکلی که باشد ، ممنوع است.

**(ماده ۵)** هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتاری ظالمانه ، ضد انسانی یا تحقیر آمیز قرار گیرد.

**(ماده ۶)** هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی اش در همه جا به رسمیت شناخته شود.

**(ماده ۷)** همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بی هیچ تبعیضی از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه ی حاضر باشد ، و بر ضد هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید ، از حمایت یکسان قانون بهره مند گردند.

**(ماده ۸)** در برابر اعمالی که به حقوق اساسی فرد تجاوز کنند - حقوقی که قانون اساسی یا قوانین دیگر برای او به رسمیت شناخته است - هر شخصی حق مراجعه ی مؤثر به دادگاه های ملی صالح را دارد.

**(ماده ۹)** هیچ کس را نباید خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید کرد.

**(ماده ۱۰)** هر شخص با مساوات کامل حق دارد که دعوتی در دادگاهی مستقل و بی طرف ، منصفانه و علنی رسیدگی شود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات وی ، یا هر اتهام جزایی که به او زده شده باشد ، تصمیم بگیرد.

**(ماده ۱۱)**

**( ۱ )** هر شخصی که به بزه کاری متهم شده باشد ، بی گناه محسوب می شود تا هنگامی که در جریان محاکمه ای علنی که در آن تمام تضمین های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد ، مجرم بودن وی به طور قانونی محرز گردد. (۲) هیچ کس نباید برای انجام دادن یا انجام ندادن عملی که در موقع ارتکاب آن ، به موجب حقوق ملی یا بین المللی جرم شناخته نمی شده است ، محکوم نخواهد شد. همچنین هیچ مجازاتی شدیدتر از مجازاتی که در موقع ارتکاب جرم به آن تعلق می گرفت ، درباره ی کسی اعمال نخواهد شد.

**(ماده ۱۲)** نباید در زندگی خصوصی ، امور خانوادگی ، اقامت گاه یا مکاتبات هیچ کس مداخله های خودسرانه صورت گیرد یا به شرافت و آبرو و شهرت کسی حمله شود. در برابر چنین مداخله ها و حمله هایی ، برخورداری از حمایت قانون حق هر شخصی است.

**(ماده ۱۳)** (۱) هر شخصی حق دارد در داخل هر کشور آزادانه رفت و آمد کند و اقامت گاه خود را برگزیند. (۲) هر شخصی حق دارد هر کشوری ، از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خویش بازگردد.

**(ماده ۱۴)** (۱) در برابر شکنجه ، تعقیب و آزار ، هر شخصی حق درخواست پناهندگی و برخورداری از پناهندگی در کشورهای دیگر را دارد. (۲) در موردی که تعقیب واقعاً در اثر جرم عمومی و غیر سیاسی یا در اثر اعمالی مخالف با هدف ها و اصول ملل متحد باشد ، نمی توان به این حق استناد کرد.

**(ماده ۱۵)** (۱) هر فردی حق دارد که تابعیتی داشته باشد. (۲) هیچ کس را نباید خودسرانه از تابعیت خویش ، یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.

ادامه مطلب در صفحه ۸

**بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!**

## ( ماده ۱۶ )

( ۱ ) هر مرد و زن بالغی حق دارند بی هیچ محدودیتی از حیث نژاد ، ملیت ، یا دین با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده بدهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن ، زن و شوهر در امور مربوط به ازدواج حقوق برابر دارند. ( ۲ ) ازدواج حتماً باید با رضایت کامل و آزادانه ی زن و مرد صورت گیرد. ( ۳ ) خانواده رکن طبیعی و اساسی جامعه است و باید از حمایت جامعه و دولت بهره مند شود.

## ( ماده ۱۷ )

( ۱ ) هر شخص به تنهایی یا به صورت جمعی حق مالکیت دارد. ( ۲ ) هیچ کس را نباید خودسرانه از حق مالکیت محروم کرد.

( ماده ۱۸ ) هر شخصی حق دارد از آزادی اندیشه ، وجدان و دین بهره مند شود : این حق مستلزم آزادی تغییر دین یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهار دین یا اعتقاد ، در قالب آموزش دینی ، عبادت ها و اجرای آیین ها و مراسم دینی به تنهایی یا به صورت جمعی ، به طور خصوصی یا عمومی است .

( ماده ۱۹ ) هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق مستلزم آن است که کسی از داشتن عقاید خود بیم و نگرانی نداشته باشد و در کسب و دریافت و انتشار اطلاعات و افکار ، به تمام وسایل ممکن بیان و بدون ملاحظاتی مرزی آزاد باشد.

## ( ماده ۲۰ )

( ۱ ) هر شخصی حق دارد از آزادی تشکیل اجتماعات ، مجامع و انجمن های مسالمت آمیز بهره مند گردد. ( ۲ ) هیچ کس را نباید به شرکت در هیچ اجتماعی مجبور کرد.

## ( ماده ۲۱ )

( ۱ ) هر شخصی حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود ، مستقیماً یا به وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند ، شرکت جوید. ( ۲ ) هر شخصی حق دارد با شرایط برابر به مشاغل عمومی کشور خود دست یابد. ( ۳ ) اراده ی مردم ، اساس قدرت حکومت است : این اراده باید در انتخاباتی سالم ابراز شود که به طور ادواری صورت می پذیرد. انتخابات باید عمومی ، با رعایت مساوات و با رأی مخفی یا به طریقه ای مشابه برگزار شود که آزادی رأی را تأمین کند.

( ماده ۲۲ ) هر شخصی به عنوان عضو جامعه حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به یاری مساعی ملی و همکاری بین المللی ، حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی ضروری برای حفظ حیثیت و کرامت و رشد آزادانه ی شخصیت خود را ، با توجه به تشکیلات و منابع هر کشور ، به دست آورد.

## ( ماده ۲۳ )

( ۱ ) هر شخصی حق دارد کار کند ، کار خود را آزادانه برگزیند ، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در برابر بی کاری حمایت شود. ( ۲ ) همه حق دارند که بی هیچ تبعیضی ، در مقابل کار مساوی ، مزد مساوی بگیرند. ( ۳ ) هر کسی که کار می کند حق دارد مزد منصفانه و رضایت بخشی دریافت دارد که زندگی او و خانواده اش را موافق حیثیت و کرامت انسانی تأمین کند و در صورت لزوم با دیگر وسایل حمایت اجتماعی کامل شود. ( ۴ ) هر شخصی حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و یا به اتحادیه های موجود بپیوندد.

( ماده ۲۴ ) هر شخصی حق استراحت ، فراغت و تفریح دارد و به ویژه باید از محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی ها و تعطیلات انواری با دریافت حقوق بهره مند شود.

## ( ماده ۲۵ )

( ۱ ) هر شخصی حق دارد که از سطح زندگی مناسب برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده اش ، به ویژه از حیث خوراک ، پوشاک ، مسکن ، مراقبت های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری برخوردار شود ؛ همچنین حق دارد که در مواقع بی کاری ، بیماری ، نقض عضو ، بیوگی ، پیری یا در تمام موارد دیگری که به عللی مستقل از اراده ی خویش وسایل امرار معاش را از دست داده باشد ، از تأمین اجتماعی بهره مند گردد. ( ۲ ) مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت ویژه برخوردار شوند. همه ی کودکان ، اعم از آن که در پی ازدواج یا بی ازدواج زاده شده باشند ، حق دارند که از حمایت اجتماعی یکسان بهره مند گردند.

## ( ماده ۲۶ )

( ۱ ) هر شخصی حق دارد که از آموزش و پرورش بهره مند شود. آموزش و پرورش ، و دست کم آموزش ابتدایی و پایه باید رایگان باشد. آموزش ابتدایی اجباری است . آموزش فنی و حرفه ای باید همگانی شود و دست یابی به آموزش عالی باید با تساوی کامل برای همه امکان پذیر باشد تا هر کس بتواند بنا به استعداد خود از آن بهره مند گردد.

( ۲ ) هدف آموزش و پرورش باید شکوفایی همه جانبه شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی های اساسی باشد. آموزش و پرورش باید به گسترش حسن تفاهم ، دگرپذیری و دوستی میان ملت ها و تمام گروه های نژادی یا دینی و نیز به گسترش فعالیت های ملت متحد در راه حفظ صلح یاری رساند.

( ۳ ) پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش برای فرزندان خود ، بر دیگران حق تقدم دارند.

## ( ماده ۲۷ )

( ۱ ) هر شخصی حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع سهیم و شریک گردد و از هنرها و به ویژه از پیشرفت علمی و فواید آن بهره مند شود.

( ۲ ) هر کس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی ، ادبی یا هنری خود برخوردار گردد.

( ماده ۲۸ ) هر شخصی حق دارد خواستار برقراری نظمی در عرصه ی اجتماعی و بین المللی باشد که حقوق و آزادی های ذکر شده در این اعلامیه را به تمامی تأمین و عملی سازد.

## ( ماده ۲۹ )

( ۱ ) هر فردی فقط در برابر آن جامعه ای وظایفی بر عهده دارد که رشد آزادانه و همه جانبه ی او را ممکن می سازد. ( ۲ ) هر کس در اعمال حقوق و بهره گیری از آزادی های خود فقط تابع محدودیت هایی قانونی است که صرفاً برای شناسایی و مراعات حقوق و آزادی های دیگران و برای رعایت مقتضیات عادلانه ی اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در جامعه ای دموکراتیک وضع شده اند. ( ۳ ) این حقوق و آزادی ها در هیچ موردی نباید برخلاف هدف ها و اصول ملت متحد اعمال شوند.

( ماده ۳۰ ) هیچ یک از مقررات اعلامیه ی حاضر نباید چنان تفسیر شود که برای هیچ دولت ، جمعیت یا فردی متضمن حقی باشد که به موجب آن برای از بین بردن حقوق و آزادی های مندرج در این اعلامیه فعالیتی انجام دهد یا به عملی دست بزند.

در ترجمه ی این اعلامیه از سه منبع زیر بهره گرفته شده است :

۱ - داریوش آشوری ، دانشنامه سیاسی ، انتشارات سهروردی و مروارید ، تهران ، ۱۳۶۶ ، صص ۱۳۳ - ۱۳۸ .

۲ - هوشنگ ناصرزاده (گردآورنده) ، اعلامیه های حقوق بشر ، انتشارات جهاد دانشگاهی ، تهران ، ۱۳۷۲ ، صص ۱۲ - ۱۷ .

۳ - « اعلامیه ی جهانی حقوق بشر » ، ترجمه ی علی میرزایی با همکاری رضا رضایی ، نگاه نو ، شماره ی ۲۷ ، تابستان ۱۳۷۷ ، صص ۱۹۰ - ۱۹۶ .

( مترجم: محمدجعفر پوینده )

**بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!**

## کارنامه حقوق بشر جمهوری اسلامی

## در روز جهانی حقوق بشر



دهم دسامبر روز جهانی حقوق بشر این فرصت را فراهم کرده تا بار دیگر مسئله نقض گسترده حقوق بشر در ایران مورد توجه محافل، نهادها و فعالان حقوق بشر قرارگیرد. این روز همچنین فرصتی است تا رویدادها و موارد نقض حقوق بشر در ایران طی یکسال گذشته در مقایسه با سال قبل از آن بررسی و در گزارش هایی منتشر شوند. «فدراسیون بین المللی جامعه های دفاع از حقوق بشر» در گزارش مفصلي که به مناسبت این روز منتشر کرده، بر اجرای بیش از ۶۰۰ حکم اعدام در فاصله آذرماه سال گذشته تا آذرماه جاری تا کید کرده است. براساس این گزارش طی این مدت حدود ۸۰ زن از فعالان اجتماعی و حقوق بشری بازداشت شده و بیش از ۴۲ روزنامه نگار یا روانه زندان شدند یا برای آنها احکام تازه صادر شده است. فقط در روز هشتم آذرماه به گزارش آژانس خبری «موکریان»، هشت نفر در کرمانشاه به جرم قاچاق مواد مخدر به دار آویخته شدند. از این تعداد شش نفر در زندان مرکزی کرمانشاه و دوف نفر در ملأ عام به دار آویخته شدند. از دیگر موارد نقض حقوق بشر، ادامه صدور احکام سنگین برای فعالان اجتماعی، سیاسی و حقوق بشری طی یکسال گذشته است. از جمله کوهیار گودرزی، فعال ۲۵ ساله حقوق بشر و عضو کمیته گزارشگران حقوق بشر که بیش از چهارماه زندان انفرادی و عمومی بوده، اخیراً اتهام های او اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت، از طریق عضویت در کمیته گزارشگران حقوق بشر و تبلیغ علیه نظام اعلام شده است. در همین زمینه باید از صدور احکام زندان برای فعالان کارگری یاد کرد. در شهریور ماه گذشته شعبه یک دادگاه انقلاب اسلامی تبریز برای چهار فعال کارگری شاهرخ زمانی، نیما پوریعقوب، ساسان واهی و ش و محمد جراحی

به اتهام تبلیغ علیه نظام، مجموعاً ۲۰ سال حبس تعزیری تعیین کرد. فشار بر زندانیان و محروم کردن آنها از حقوق اولیه شان همچون دسترسی به امکانات بهداشتی و درمانی و نیز برخورد خشن نیروهای امنیتی و زندانبانان با زندانیان، در سال گذشته با شدت ادامه داشته و گاه فاجعه آفریده است.

مرگ هدی صابر، فعال ملی مذهبی و روزنامه نگار در زندان از جمله این موارد بود. او پس از هشت روز اعتصاب غذا بیمار می شود و حالش رو به وخامت می گذارد. حتی هم بندان او از ضرب و شتم هدی صابر توسط ماموران امنیتی در روزهای پیش از انتقال به بیمارستان خبر داده بودند. هدی صابر پس از ساعت ها تحمل درد به دلیل حمله قلبی در بیمارستان درگذشت. پزشکان بیمارستان مدرس گفته بودند که علت مرگ وی علاوه بر اعتصاب غذا سهل انگاری مسئولان زندان در انتقال به موقع به بیمارستان بوده است. رفتار خشن ماموران امنیتی با زندانیان و خانواده های آنها نیز از موارد جدی نقض حقوق بشر در ایران است. یکی از موارد برجسته آن مرگ هاله سحابی است. او دختر عزت الله سحابی رئیس شورای فعالان ملی-مذهبی و از چهره های معروف منتقد حکومت در دوران قبل و بعد از حکومت جمهوری اسلامی بود. هاله سحابی روز یازدهم خرداد پس از حمله نیروهای امنیتی به او و دیگر حاضران در مراسم تشییع جنازه پدرش، دچار ایست قلبی شد و درگذشت.

از موارد دیگر رفتار خشن با زندانیان سیاسی و فعالان حقوق بشر باید به مورد حسین رونقی ملکی اشاره کرد. این وبلاگ نویس جوان از دو سال قبل در زندان بوده است. حسین رونقی از ناراحتی کلیوی رنج می برد، اما با این حال مسئولان بهداری زندان و نهادهای امنیتی نه تنها به او اجازه ندادند به بیمارستانی خارج از زندان منتقل شود، بلکه تا کنون با مرخصی او نیز موافقت نکرده اند. در تاریخ ۲۴ شهریور ماه، خبرگزاری های ایران نوشتند که حکم یک سال زندان سیمیه توحیدلو به دلیل فعالیت در ستاد انتخاباتی میرحسین موسوی و به اتهام توهین به رئیس جمهور بخشیده شد، اما حکم شلاق این دانشجوی دکترای جامعه شناسی در اوین توسط یک بازجوی مرد انجام شد. خبر اجرای حکم بعداً در تاریخ ۱۷ مهر ماه اعلام شد. همچنین پیمان عارف فعال دانشجویی دانشکده حقوق دانشگاه تهران یکسال پیش بازداشت و پس از چند روز انفرادی به بند ۳۵۰ زندان اوین منتقل شد. در حکم نهایی به یکسال زندان و ۷۴ ضربه شلاق و محرومیت مادام العمر از حرفه روزنامه نگاری و فعالیت در احزاب سیاسی محکوم و

سرانجام پس از تحمل یکسال زندان و اجرای حکم شلاق آزاد شد.

از دیگر موارد بارز نقض حقوق بشر ادامه روند دستگیری و حبس و محاکمه وکلای مستقل در سال گذشته بود. حقوق دانان برجسته ای همچون عبدالفتاح سلطانی ظرف سال گذشته زندانی و با وثیقه های سنگین آزاد شده اند. نسرین ستوده وکیل دادگستری، عضو کانون مدافعان حقوق بشر و از مدافعان سرسخت حقوق زنان و کودکان است. او را در تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۸۹ دستگیر کردند. «اقدام علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» اتهاماتی است که به او نسبت داده اند. نسرین ستوده که در سال ۲۰۰۸ برنده جایزه حقوق بشر سازمان حقوق بشر بین الملل شد، در شهریور سال جاری از سوی دادگاه تجدید نظر به شش سال زندان و ۱۰ سال محرومیت از حرفه وکالت محکوم شد. این حکم با اعتراض وسیع نهادهای بین المللی حقوق بشری و فعالان حقوق بشر مواجه شده است.

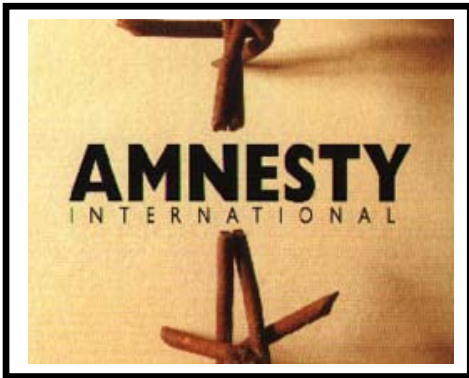


پیگرد و بازداشت بهائیان، درایش گنابادی، نوکیشان مسیحی و دیگر اقلیت های قومی و مذهبی و صدور احکام زندان و در مواردی اعدام برای آن ها نیز در سال گذشته بی وقفه ادامه یافت. اما برغم تمام موارد یاد شده و نقض شدید حقوق بشر در ایران سال گذشته فعالان حقوق بشر توانستند به موفقیت هایی نیز دست یابند. شورای حقوق بشر سازمان ملل پس از سال ها آقای احمد شهید را بعنوان گزارشگر ویژه در امور حقوق بشر ایران تعیین کرد. گرچه مقامات ایران با سفر او به ایران برای تهیه گزارشی از وضع حقوق بشر مخالفت کرده اند، اما او توانسته اولین گزارش خود را از جمله با تماس با برخی خانواده های زندانیان در خارج از ایران، و برغم تمامی کمبودها تهیه کند. قرار است گزارش احمد شهید در نوزدهمین اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل در فاصله ماه های فوریه و مارس بررسی شود.



**بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!**

## تعداد اعدام‌ها در ایران سه برابر شده است



سازمان عفو بین‌الملل روز چهارشنبه ۱۴ دسامبر گزارش جدید خود را در رابطه با اعدام در ایران منتشر کرد. بر اساس این گزارش ۴۴ صفحه‌ای، در سال ۲۰۱۱ در مجموع ۶۰۰ نفر اعدام شده‌اند که ۴۸۸ نفر آنها متهم به قاچاق یا حمل مواد مخدر بوده‌اند. به این ترتیب، تعداد اعدام‌هایی که در رابطه با مواد مخدر انجام شده‌اند، نسبت به سال ۲۰۰۹ تقریباً سه برابر شده است. عفو بین‌الملل می‌نویسد که مقامات ایرانی برای حل معضل اعتیاد در این کشور به اعدام پناه برده‌اند، اما کارشناسان معتقدند که این اعدام‌ها تا کنون نتیجه نداده‌اند. آن‌ها ریسون، کارشناس خاورمیانه‌ی عفو بین‌الملل می‌گوید، هیچ نشانه‌ای مبنی بر تاثیر اعدام‌ها در کاهش تعداد معتادان در ایران وجود ندارد، اما دولت ایران به این واقعیت توجهی نشان نمی‌دهد. در گزارش عفو بین‌الملل آمده است که در تاریخ ۴ اوت ۲۰۱۰ در زندان وکیل آباد مشهد ۸۹ نفر به طور دسته‌جمعی کشته شدند.

آخرین اعدام‌ها در زندان عادل آباد شیراز صورت گرفت. به گزارش سایت‌های خبری ایران در روز سوم آذر ۱۱ نفر که گفته شد قاچاقچی مواد مخدر بوده‌اند، اعدام شدند. بر اساس اطلاعات سازمان عفو بین‌الملل، برخی مسئولان قضایی در ایران برای گرفتن اقرار از زندانیان از شکنجه استفاده می‌کنند و در برخی موارد، متهمان حتی بدون محاکمه به جوخه‌ی اعدام سپرده می‌شوند. این سازمان مدافع زندانیان می‌گوید که این گونه اعمال شنیع خلاف قانون، بیشتر در مورد اقلیت‌های قومی و خارجی‌ها، به ویژه افغان‌ها به‌کار می‌رود.

بر اساس گزارش‌های سازمان‌های مدافع حقوق بشر، ایران پس از چین بالاترین آمار اعدام در جهان را دارد.

" این مضحکه عدالت است و نه دادرسی، دادگاه‌های جمهوری اسلامی در غیاب متهم برگزار می‌شوند، هیات منصفه معتمدان نهادهای سرکوبگر هستند! روزنامه‌نگاران با احکام این دادگاه‌های ناعادلانه راهی زندان و سلول‌های انفرادی می‌شوند با محروم شدن از همه‌ی حقوق خود زندگی‌شان در خطر قرار می‌گیرد."

وب‌نگار زندانی حسین رونقی ملکی از تاریخ ۲۲ آذر و در دومین سالگرد زندانی شدن و شرایط بازداشتش دست به اعتصاب غذا زده است. حسین رونقی ملکی به شدت بیمار است، علیرغم دو عمل جراحی بر روی کلیه و نیاز به مراقبت‌های پزشکی، مقامات قضایی و بازجویان وزارت اطلاعات با درخواست مرخصی او مخالفت می‌کنند. وی در تاریخ ۱۱ مهرماه ۱۳۸۹ از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ۱۵ سال زندان محکوم شد. این وب‌نگار که نزدیک به یکسال از زندانی‌شدنش را در سلول انفرادی بسر برده است، امروز در خطر مرگ قرار دارد.

" بی‌رحمی مرگ اور دستگاه قضایی و وزارت اطلاعات ایران علیه این وب‌نگار غیر قابل پذیرش است. ما محمداصادق آملی لاریجانی رئیس دستگاه قضایی، حیدر مصلحی وزیر اطلاعات و عباس جعفری دولت‌آبادی را مسوول جان حسین رونقی ملکی می‌دانیم.

گزارش‌گران بدون مرز در تاریخ ۱۰ اذرماه از بازداشت و زندانی کردن فرشاد قربانپور روزنامه‌نگار و همکار بسیاری از روزنامه‌های اصلاح‌طلب از جمله هفته‌نامه توقیف شده شهروند امروز، و روزنامه‌های فریختگان و مهرنامه، مطلع شده است. این روزنامه‌نگار از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به یکسال زندان و ۵ میلیون تومان جریمه نقدی به اتهام تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی " و " دریافت دستمزد غیر قانونی از رسانه‌های خارج از کشور" محکوم شده است. یک روز پس از دستگیری روزنامه‌نگار با تماس تلفنی به خانواده‌اش اطلاع داده است که در بند ۳۵۰ زندان اوین بسر می‌برد.

روژین محمدی وبلاگ‌نویس که در تاریخ ۳۰ آبان ماه پس از احضار به دادرسی انقلاب مستقر در زندان اوین، بازداشت شده بود در تاریخ ۲۰ آذر ماه از زندان آزاد شد. این دانشجوی پزشکی در فلپین، در ۲۳ آبان به هنگام ورود به کشورش در فرودگاه بازداشت شد که پس از یک روز با سپردن وثیقه آزاد شده بود.

## سرکوب مرگ‌آور روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها در ایران



گزارش‌گران بدون مرز، سرکوب تداوم‌دار رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران در ایران را محکوم می‌کند. امتیاز انتشار نشریه چشم‌انداز در تهران لغو شد و هفته‌نامه‌ی سیمره در شهر کوه‌دشت لرستان تحت فشارهای امنیتی - قضایی مجبور به توقف انتشار خود شده است. یک روزنامه‌نگار زندانی و یک وب‌نگار زندانی پس از اعتصاب غذا در خطر مرگ قرار دارد.

۱۶ آذر ماه ۱۳۹۰، لطف‌الله میثمی مدیر مسئول ماهنامه چشم‌انداز از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مطلع شد که بنا بر حکم شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به تاریخ ۲ آذرماه، امتیاز انتشار مجله لغو و خود وی به ۵ سال محرومیت از فعالیت مطبوعاتی محکوم شده است. این روزنامه‌نگار به حکم این دادگاه که از برگزاری آن اطلاع و در آن حضور نداشته است، اعتراض کرده است. لطف‌الله میثمی در طی سال‌های گذشته بارها به دادگاه‌های مختلف احضار شده است. هفته‌نامه سیمره یکی از نشریات قدیمی و پر خواننده استان لرستان، از تاریخ ۱۴ مهر در پی فشارهای سیاسی و قضایی پس از هفت سال انتشار مداوم، انتشار خود را متوقف کرد. در شماره ۸ شهریور ۱۳۹۰ این نشریه مطلب طنزی به نام "فقط دیکتاتورها و خرها اشتباه نمی‌کنند!" منتشر شده بود، مقاله فرهنگ نقد ناپذیری در میان دیکتاتورها را به تمسخر گرفته بود. برخی از مسوولان استان این مطلب را " توهین به مقدسات" اعلام کرده و علیه نشریه و نویسندگان آن شکایت کرده‌اند. در تاریخ ۶ آذرماه دادگاه رسیدگی به اتهامات این نشریه برگزار اما اعضای "هیات منصفه" با ایجاد تشنج مانع به پایان رساندن دفاعیات وکیل سیمره شدند. هنوز حکم دادگاه صادر نشده است.

## بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!

## حمله به سفارت انگلستان در تهران



حمله به سفارت انگلستان در تهران که منجر به نقض مصونیت از تعرض، تخریب اموال، تصرف موقت و گروگانگیری موقت برخی از کارکنان سفارت شد، یکی از معدود اتفاقاتی است که نمونه های تاریخی زیادی ندارد.

به دنبال حمله کسانی که رسانه های ایرانی از آنها به دانشجویان یاد می کنند سفارت رژیم در انگلستان تعطیل شد و سفارت نروژ در ایران نیز به حالت تعلیق درآمد. آلمان، سوئد، فرانسه و هلند نیز سفرای خود را برای مشورت از ایران فراخواندند و کشورهای روسیه و چین هم این اقدام را محکوم کردند. شورای امنیت در بیانیه ای حمله به سفارت انگلستان را محکوم نمود.

مقام های جمهوری اسلامی تلاش کردند حمله به سفارت بریتانیا در تهران را اقدامی «مردمی» و «خودجوش» معرفی کنند که حتی پلیس نیز توان مقابله با مهاجمان را نداشته است. تصاویر منتشر شده از این حوادث نشان می دهد که پلیس به هنگام ورود معترضان به سفارت بریتانیا هیچ کوششی برای مقابله با آنها نمی کند. در این تصاویر همچنین حسین قدیانی، رئیس سازمان بسیج دانشجویی به عنوان یکی از رهبران مهاجمان به سفارت بریتانیا دیده می شود.

در این میان، احمدرضا رادان، جانشین فرمانده پلیس یک روز پس از این حمله، از دستگیری چند تن از مهاجمان به سفارت بریتانیا خبر داده است. علی لاریجانی، رئیس مجلس نیز اعتراض آمریکا و بریتانیا به این اقدام معترضان را «فرصت طلبانه» خواند و

گفت که مجلس معتقد است این کشورها قصد «سوء استفاده» از این اقدام را دارند. لاریجانی همچنین گفت که «اقدامات عجولانه در شورای امنیت در محکوم کردن اقدام دانشجویان برای سرپوش گذاشتن بر جنایات گذشته آمریکا و انگلیس است.»

از سوی دیگر، خطیب نماز جمعه تهران با بیان اینکه انگلیسی ها سابقه صد ساله خیانت به ایران را دارند گفت: این انگلیس نیاز به گوشمالی داشت. احمد خاتمی گفت: آخرین اقدام انگلیس؛ تحریم یک جانبه بانک مرکزی بود که البته بسیار بی اثر است و تنها اثر جنگ روانی دارد. وی گفت: انصافاً این انگلیس با این خیانت ها استحقاق آن را دارد که بعد از مرگ بر آمریکا، مرگ بر انگلیس هم گفته شود. خاتمی با بیان اینکه شورای امنیت نیز بیش از این خود را رسوا نکند افزود: اعضای این شورا به اتفاق، بیانیه علیه جمهوری اسلامی صادر کردند که این کاریعنی با طناب پوسیده انگلیس به چاه رفتن. وی گفت: به اروپایی ها هم می گویم که آمریکا و انگلیس می خواهند هزینه هایشان را با شما سرشکن کنند و قصد دارند همان نفرتی را که ملت ما از انگلیس دارند از شما نیز پیدا کنند که اگر مقداری عقل داشته باشید طناب خود را به طناب پوسیده انگلیس گره نمی زنید. وی افزود: انگلیسی ها در ایران و جهان اسلام رسوا شده اند و در همه زمان ها توسری خورده اند، چه در زمان قاجار و چه بعد از انقلاب که یکی از آنها همین توسری آخر بود. سفیر انگلیس در تهران در مصاحبه ای ادعا کرد: تظاهرات در برابر سفارت کشورش در تهران با هماهنگی حاکمیت صورت گرفته است.

دامنیک چیلکات در گفت و گو با رسانه های این کشور، ضمن شرح مشاهدات خود از حمله به سفارت و باغ قلعه گفت: «ایران کشوری نیست که به صورت خودجوش در آن تظاهراتی شکل بگیرد و پس از آن به یک سفارت خارجی حمله شود. این اقدام تنها با اطلاع و حمایت نظام انجام می شود.» وی اظهار داشت که وی انتظار ندارد مناسبات دو کشور در آینده نزدیک عادی شود چراکه رژیم ایران به کنوانسیون های ژنو در مورد اماکن دیپلماتیک احترام نمی گذارد.

دامنیک چیلکات در عین حال تأکید کرد که عناصری در حکومت ایران متمایل بودند که فضا پرتنش شود.



چیلکات، علی لاریجانی، رئیس مجلس و علاءالدین بروجرودی رئیس کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی مجلس را در زمره این افراد دانست. وی علی لاریجانی و علاءالدین بروجرودی را اشخاصی با جاه طلبی های سیاسی و در عین حال مسئله دار توصیف کرد! دامنیک چیلکات گفت که هم علی لاریجانی و هم علاءالدین بروجرودی پس از تصویب کاهش رابطه با لندن گفته بودند که این تنها آغاز راه است.

و سرانجام، دیپلماتهای سفارت رژیم در لندن با پایان ضرب الاجل دولت بریتانیا، این کشور را به مقصد تهران ترک کردند و فصلی سرد در روابط ایران و بریتانیا آغاز شد. حال دولت بریتانیا در پی حمله به مراکز دیپلماتیک این کشور در تهران، از جمهوری اسلامی غرامت می خواهد. میزان خسارت وارده به اموال دیپلماتیک این کشور در ایران یک میلیون پوند تخمین زده می شود. تابلوهای نقاشی ارزشمند، فرش، مبلمان، جواهرات، اشیای قیمتی، دستگاه های الکترونیکی و چند خودروی اداری از جمله اموالی هستند که تخریب یا ربوده شدند.

به گزارش روزنامه «تلگراف» یک سخنگوی وزارت امور خارجه بریتانیا دوشنبه (۱۴ آذر / ۵ دسامبر) با تأکید بر گسترده بودن تخریب اموال این کشور در تهران گفت: «ما طبق کنوانسیون وین خواستار پرداخت غرامت هستیم، اما هنوز زود است که در مورد رقم نهایی صحبت کنیم.»

**بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!**

## تصویب طرح تحریم بانک مرکزی در مجلس نمایندگان آمریکا



مجلس نمایندگان آمریکا سرانجام با ۴۱۰ رای موافق طرح بحث‌انگیز گسترش تحریم‌های فلج‌کننده علیه ایران را تصویب کرد. به این ترتیب با امضای باراک اوباما پای این طرح، تحریم بانک مرکزی جمهوری اسلامی نیز به زودی آغاز خواهد شد.

مجلس نمایندگان آمریکا عصر روز چهارشنبه (۲۳ آذر / ۱۴ دسامبر) طرحی را تصویب کرد که بر اساس آن از این پس بانک مرکزی ایران تحت تحریم‌های شکننده یک‌جانبه قرار می‌گیرد. اعمال تحریم‌های فلج‌کننده، این بار نبض اقتصاد و تجارت ایران را هدف قرار داده است. این طرح، زیرمجموعه طرح ۶۶۲ میلیارد دلاری «بودجه دفاعی آمریکا» است که بر اساس آن قرار است علاوه بر گسترش و تشدید تحریم‌ها علیه ایران، بخشی از کمک مالی ایالات متحده به پاکستان نیز به حالت تعلیق درآید. این طرح با ۲۳۶ رای موافق و ۱۳۶ رای مخالف به تصویب رسید. پیش از تصویب این طرح کلی، دو طرح تحریم بانک مرکزی ایران و نیز تحریم کمپانی‌ها و کشورهای طرف معامله با کشورهای نظیر ایران، سوریه و کره شمالی در زمینه تولید تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیک یا تقویت برنامه‌های موشکی نیز به ترتیب با ۴۱۰ و ۴۱۸ رای موافق به تصویب رسیدند. بر اساس این طرح‌ها، حتی ممکن است دارایی‌های نهادهایی که تجهیزات یا تکنولوژی متعارف نظامی به این سه کشور می‌فروشند نیز در ایالات متحده توقیف شود. مجلس نمایندگان آمریکا قصد دارد با تصویب طرح تشدید و گسترش تحریم‌ها علیه رژیم ایران، بخش‌های گسترده‌تری از منابع درآمدی این کشور از حوزه انرژی را با معضلات جدی مواجه کند و به همین خاطر کمپانی‌هایی که در صنعت نفت ایران فعال‌اند، یا روی آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند، یا

کالاها و خدماتی به ایران می‌فروشند که در پالایشگاه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند و یا میزان فروش فرآورده‌های پتروشیمی آنها به ایران از مرز پنج میلیون دلار در سال می‌گذرد» در دایره شمول این تحریم‌ها قرار خواهند گرفت. گفته می‌شود این تحریم‌ها به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که از توسعه زیرساخت‌ها و بنادر در ایران نیز جلوگیری کنند. سنای آمریکا نیز پیش‌تر طرح مشابهی را تصویب کرده بود.

بنابراین، پس از امضای مصوبه توسط رئیس‌جمهور باراک اوباما، طرح تحریم بانک مرکزی ایران رسماً تبدیل به قانون شده و ابلاغ و اعمال خواهد شد. اندکی پیش از تصویب این طرح جنجالی در مجلس نمایندگان، کاخ سفید اعلام کرد که اگرچه هنوز نسبت به نحوه پیاده‌سازی آن نگرانی‌هایی دارد، اما رئیس‌جمهور اوباما قطعاً این طرح را و تو نخواهد کرد. نگرانی اصلی از اعمال تحریم علیه بانک مرکزی ایران، پیامدهایی نظیر ایجاد نوسانات آبی در بازار نفت جهان است. سال گذشته نیز کنگره آمریکا طرحی را برای تحریم صادرات بنزین و فرآورده‌های پتروشیمی به ایران تصویب کرده بود که پس از تأیید رئیس‌جمهور ابلاغ و اجرا شد. اتحادیه اروپا و سازمان ملل نیز چندین دور از تحریم‌های گوناگون را بر ضد ایران اعمال کرده‌اند و حالا ایران بیش از همیشه در جامعه جهانی منزوی خواهد شد. نگرانی‌های جدی جامعه جهانی نسبت به برنامه بحث‌برانگیز هسته‌ای ایران، از جمله علل اصلی این اقدامات سخت‌گیرانه در قبال ایران است و گفته می‌شود هدف از اعمال این تحریم‌ها، تغییر رفتار حاکمان این کشور است.

خانم ایلینا راس‌لینتن، سناتور جمهوری‌خواه و رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان، در گفت‌وگو با خبرگزاری اسوشیتدپرس گفته است: «هدف بنیادین و استراتژیک ما از این اقدام، متوقف ساختن ایران در راه دستیابی به توانایی تولید تسلیحات هسته‌ای و از بین بردن امکان ساخت چنین تسلیحاتی توسط این کشور است.»

### نگرانی‌های جدی مقامات ایرانی از تحریم‌های فلج‌کننده آمریکا

ایران به‌عنوان پنجمین صادرکننده بزرگ نفت در جهان، بخش عمده‌ای از درآمدهای خود را از طریق صنایع نفت و گاز تامین می‌کند. آمریکا با تحریم‌های جدید آشکارا قصد دارد توان مقاومت اقتصادی جمهوری اسلامی را بشکند و همین مساله نگرانی‌های جدی مقامات رژیم را در پی داشته است. اگرچه تا کنون در بسیاری از مواقع مقامات بلندپایه جمهوری اسلامی تأثیر تحریم‌ها

را انکار کرده‌اند با حتی تأثیرات آن را «سازنده» خوانده‌اند، اما با تنگ‌تر شدن عرصه و تشدید تحریم‌ها، کار به جلسه غیرعلنی در مجلس رژیم برای بررسی تأثیرات تحریم‌ها کشیده است. محمدرضا باهنر، نایب‌رئیس مجلس رژیم، اعلام کرده که در جلسه‌ای غیرعلنی اما رسمی به بررسی تأثیر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران می‌پردازد. چهار مقام دولتی نیز در این جلسه حضور خواهند داشت: دبیر شورای عالی امنیت ملی، وزیر خارجه، رئیس بانک مرکزی و وزیر اقتصاد. همچنین محمود بهمنی، رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی به صراحت تحریم‌های اعمال‌شده علیه رژیم ایران را یک «جنگ تمام‌عیار اقتصادی» خواند و گفت: «شرایط تحریمی، شرایطی به‌مراتب سخت‌تر از یک جنگ فیزیکی ایجاد کرده است.» آن روز تحریم بانک مرکزی ایران در حد پیشنهاد بود و حالا چیزی به قانون شدنش مانده است. اقتصاد ایران روزهای سخت‌تری در پیش‌رو خواهد داشت.



وی همچنین این اقدام را تحریمی علیه نظام دانسته که به گفته‌ی او "مغرضانه، غیراستاندارد و غیر اصولی" است. رئیس کل بانک مرکزی اضافه کرده: «فکر نمی‌کنیم این اتفاق رخ دهد، البته یک یا دو بار در برخی از کشورها، تحریم بانک مرکزی اتفاق افتاده است؛ ولی عملاً این کار، یک کار غیر اصولی است و اگر یک کشوری چنین کاری را انجام دهد، دنیا به او خواهد خندید.» سید شمس‌الدین حسینی سخنگوی اقتصادی دولت نیز در این باره گفته: «کشورهایی که به دنبال تحریم ایران هستند حتی نتوانسته‌اند نظر شورای حکام و شورای امنیت سازمان ملل را جلب کنند و باید گفت تحریم بانک مرکزی برای آنها یک گزینه ناکام است و جمهوری اسلامی خود را برای شیطنت‌های آنها آماده کرده است.»

بانک مرکزی اصلی‌ترین مجرای انتقال پول در معاملات بین‌المللی است و در صورت تحریم این بانک، جمهوری اسلامی حتی برای دریافت پول نفت صادراتی خود دچار مشکلات جدی خواهد شد.

**بدانیم، بیاندیشیم، بپاخی‌زیم!**



حسین گلستانه

### رژیم اسلامی با اشغال سفارت انگلیس چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

همانطور که می‌دانیم حمله به سفارت انگلیس در روز سه شنبه ۸ آذر ۱۳۹۰، توسط عده‌ای بسیجی و چماق داران رژیم تهران صورت گرفت. این افراد وارد سفارت شدند، آنجا را به تصرف درآوردند، پرچم بریتانیا را پایین کشیدند و پرچم ایران را بالا بردند.

با وحشیگری تمام، اقدام به از بین بردن مدارک داخل سفارتخانه نمودند، اموال آنجا را غارت کردند یا آتش زدند. همینطور در حمله‌ای مشابه به باغ سفارت در منطقه قلهک، علی‌رقم حضور ماموران امنیتی رژیم تجمع‌کنندگان به ساختمان سنگ و کوکتل مولوتف پرتاب نمودند و شش کارمند انگلیسی به گروگان گرفته شدند که پس از چندساعت و باحضور پلیس دیپلماتیک آزاد شدند.

نکته جالب اینجاست که خبرگزاری‌های نزدیک به دولت جمهوری اسلامی، از این حمله‌کنندگان به عنوان دانشجویان دانشگاه تهران! و دانشجویان بسیجی یاد کرده و حمله -آنها را خود جوش و برنامه ریزی نشده می‌دانند. ولی آیا امکان دارد که این حملات به دو ساختمان سفارت انگلیس در دو نقطه متفاوت تهران و به صورت هم‌زمان بدون اطلاع رژیم صورت گرفته باشد؟

مگر می‌شود در قلب تهران به مدت چند ساعت به سفارت یک کشور خارجی حمله کرد، سپس به مرکز مسکونی دیپلمات‌ها یورش برد، آتش زد و غارت کرد و رژیم هم دخالت نکند؟ و جالبتر اینکه به صورت

است، می‌توان گفت هدف اصلی رژیم به نحوی جلوگیری از تحریم بانک مرکزی و تحریم نفتی است که در دستور کار آمریکا و اروپا قرار دارد. و یا به عبارت دیگر تهدید و ترساندن غرب است. با این عمل رژیم اعلام می‌دارد که اگر غرب با افزایش تحریم‌ها در صدد فشار بر رژیم و تضعیف آن است، اشتباه می‌کند. رژیم هزینه آن را برای غرب بالا خواهد برد. و در متن این حمله تکرار تهدیداتی همچون ایجاد آشوب در منطقه، نا امن کردن خلیج فارس و هدف قرار دادن تأسیسات نفتی کشورهای منطقه را می‌توان به وضوح دید.

رژیم با این عمل خود بار دیگر خوی وحشیگری خود را به جهانیان ثابت کرد. رژیم با آگاهی از اوضاع کنونی آمریکا و انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال آینده از آن به عنوان برگ برنده دیگری استفاده می‌کند.

اوباما به علت بحران اقتصادی، بیکاری، ترس از گران شدن بنزین و انتخابات پیش رو، بیش از پیش محتاطانه عمل می‌کند و این باعث شده تا رژیم از این نقطه ضعف کمال استفاده را کند و به رجز خوانی خود ادامه دهد.

و اما در داخل کشور همانطور که عنوان شد، کشمکش و تضادهایی بین باند احمدی نژاد با خامنه‌ای بر سر مسائل منطقه و برنامه هسته‌ای ایجاد شده است. ترس از تحریم‌های بیشتر، انزوای بیشتر و سقوط رژیم باعث شده که باند احمدی نژاد خواستار کاهش تنش با جامعه بین‌الملل و مذاکره یا نوعی معامله بر سر برنامه هسته‌ای باشند. حمله به سفارت به نوعی در تضعیف کردن این گرایش‌ها نقش دارد. ولی آیا رژیم در این مسیری که برای خود تعیین کرده است به اهداف خود می‌رسد؟

رژیمی که برای بقای خود در این سی و سه سال به بحران آفرینی در کشورمان و سایر کشورها پرداخته و هزینه سنگین آنرا مردم ایران پرداخت کرده‌اند! حال وظیفه کسانی که خواستار سرنگونی رژیم هستند، چه مردم ایران در داخل و چه در خارج کشور چیزی جز این نیست که از این اوضاع آشفته رژیم و موقعیت ایجاد شده بهره‌جست و زمینه حضور مردم در صحنه مبارزات آینده علیه رژیم را فراهم ساخت.



نمایشی چندین تن از مهاجمین را دستگیر و فردای آن روز آنها را آزاد می‌کنند! تسخیر سفارت خانه یک کشور یعنی حمله به خاک آن کشور، یعنی تکرار سیزده آبان ۱۳۵۸ و تبلیغی که پیامی را برای دنیا به همراه دارد. دیپلماسی مبتنی بر منطق کوکتل مولوتف، غارت و وحشیگری رژیم جمهوری اسلامی هزینه و تاوان سنگینی به همراه دارد که فقط مردم ایران آن را می‌پردازند. حال سوالی که در اینجا مطرح است این است که چرا رژیم دست به چنین عملی زده است و چه اهدافی را با این اقدام خود دنبال می‌کند؟ آیا رژیم می‌داندست که چه عواقب و زیان‌هایی به دنبال این حمله به سفارتخانه، متوجه آنها می‌شود و با چه واکنش شدیدی ممکن است از سوی جامعه بین‌الملل روبرو شود؟

از طرفی با توجه به برهم خوردن توازن قدرت در منطقه، تضعیف و حتی احتمال فروپاشی سوریه، متحد اصلی رژیم در منطقه و موج تحریم‌هایی که رژیم را از پای در آورده و به انزوا کشانده است، از طرف دیگر در داخل کشور، بین باند کشمکش‌های احمدی نژاد و خامنه‌ای، پیش‌رو بودن انتخابات مجلس و وجود چالش‌هایی برای خامنه‌ای، همه و همه می‌تواند شواهدی بر اثبات عمدی و آگاهانه بودن این حمله باشد. اقدامی که با بقیه سیاست‌های کنونی رژیم هماهنگی دارد. به نظر من آنها به دنبال این حمله چندین هدف را مورد نظر داشته‌اند. هر زمان که بحران‌ها و مسائل پوشیده رژیم فاش و بر ملا می‌شود، رژیم با ایجاد حادثه دیگری تلاش بر کم‌رنگ کردن موضوع اصلی و وپاک کردن آن از اذهان عمومی دارد. همانند اختلاس بانکی اخیر توسط مسئولان حکومت و دو انفجار در پایگاه نظامی سپاه و مرکز اتمی اصفهان. هدف دیگر رژیم بد نام کردن دانشجویان می‌باشد. بزرگترین گروه مبارز و فعال سیاسی که سمبل دمکراسی و آزادی خواهی‌اند، همیشه با رژیم‌های خود کامه دست و پنجه نرم می‌کنند و بیشترین هزینه اعم از برخورد و حشيانه، دستگیری، اخراج از دانشگاه، زندانی و شکنجه و حتی اعدام را تحمل کرده‌اند. با توجه به اینکه حمله به سفارت انگلستان بلافاصله بعد از تصمیم این کشور برای تحریم بانک مرکزی ایران انجام شده

**بدانیم، بیان‌دیشیم، بپاخیزیم!**

هم‌اکنون برای مثال در اداره پلیس، اداره امورخارجیان، روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون، بانکها و به طور کلی محل‌هایی که با انسانهای زیادی باید در ارتباط بود، حضور انسانهای خارجی‌تبار بسیار محدود است. از این رو در کانون توجه پروژه‌ها و تدبیرهای سیاسی در آلمان این پرسش قرار داشته است که چگونه می‌توان ورود مهاجران را به عرصه خدمات عمومی و اجتماعی افزایش داد.



برلین به عنوان اولین استان آلمان به زندگی چندگونه در آلمان توجه چاره اندیشانه می‌دول داشته و این که این چند گونه‌گی باید جزیی از روال زندگی روزانه شود. پایتخت آلمان "قانون مشارکت و همپوندی" را تدوین و تصویب کرده است که هدف آن شرکت دادن مهاجران در کلیه امور جامعه آلمان و نیز جذب آنان در این جامعه است. این قانون از آغاز سال ۲۰۱۱ به اجرا درآمده و برای اجرای آن ناظرانی نیز تعیین شده‌اند.

همچنین در این قانون پیشنهاد شده که در اداره امور خارجیان و ادارات دیگر، سهمیه ۱۵ تا ۱۸ درصدی از کارمندان و کسانی که با مردم در ارتباط هستند به مهاجران اختصاص داده شود. افزون بر این، در برلین از آغاز سال ۲۰۱۱ برای بچه‌هایی که پدر و مادرشان آلمانی خوب نمی‌دانند کلاس‌های ویژه‌ای گذاشته شده تا زبان آلمان‌شان تقویت شود و بتوانند پابپای همکلاسی‌های آلمانی‌تبارشان پیشرفت کنند. دیگر آنکه طبق این قانون ادارات و موسساتی که برای اجاره یا فروش، خانه در اختیار شهروندان می‌گذارند اما بخاطر خارجی‌تبار بودن شهروندی از اجاره یا فروش خانه به وی سر باز می‌زنند، مورد تعقیب قانونی قرار می‌گیرند.

را رعایت و تضمین کنند. اما وقتی مشخص می‌شود که شرایط زندگی در کشور دیگری از اتحادیه اروپا که پناهجو از آنجا آمده غیر انسانی بوده و حداقل‌های استاندارد لازم را نداشته و یا مراحل رسیدگی به درخواست پناهندگی غیر منصفانه است، نباید پناهجو به آن کشور بازگردانده شده و پرونده اش باید در کشور جدیدی که پناهجو خود را به آنجا رسانده است مورد بررسی قرار گیرد.

پناهجویانی که از یونان، مالت و ایتالیا به آلمان و دیگر کشورهای اتحادیه اروپا می‌آیند از شرایط غیر انسانی در آنجا حکایت می‌کنند. گزارش سازمانهای حقوق بشری که بطور مستقل از این کشورها بازدید کرده اند نیز نشان می‌دهد که بسیاری از پناهجویان در این کشورها سرپناه نداشته، پول دریافت نکرده، از امکانات پزشکی محروم بوده و در مراحل پناهندگی نیز از مترجم به زبان مادری محروم بوده و برای یک دوره بسیار طولانی در بلا تکلیفی باقی می‌مانند. چنین شرایطی با استانداردهای مورد توافق کشورهای اتحادیه اروپا مغایرت داشته و ناقض حقوق بنیادین پناهجو می‌باشد.



### نگاهی به وضعیت حاضر مهاجران در آلمان



حدود یک دهه است که بحث در باره مهاجرپذیری در آلمان شکوفا شده است. در این مدت در رسانه‌ها توجه بیشتری به مشکل‌های مهاجران در این کشور صورت گرفته است و به تدریج دیده می‌شود که پروژه‌ها و تدبیرهای اساسی حتی به شکل قانون برای رفع این مشکل‌ها عرضه می‌شود.

### منع انتقال پناهجویان به کشور مبدا در اتحادیه اروپا



دادگاه عالی اتحادیه اروپا ۲۷ کشور عضو را از انتقال پناهجویان به کشور های مبدا در این اتحادیه منع کرد.

بدنبال شکایت عده ای از پناهجویان افغان، ایرانی و الجزایری از دولتهای بریتانیا و ایرلند که می‌خواستند آنها را به یونان بازگردانند، این دادگاه اعلام کرد که کشورهای عضو حق ندارند دست به چنین کاری بزنند. روز ۲۱ دسامبر ۲۰۱۱ دادگاه عالی اروپا با صدور حکمی اعلام کرد در صورتی که شرایط زندگی و مراحل رسیدگی به پرونده پناهجویان در یکی از کشورهای اتحادیه اروپا غیر انسانی، یا تحقیر آمیز و یا غیرمنصفانه باشد، هیچ یک از کشورهای اتحادیه اروپا نمی‌توانند پناهجو را به آن کشور بازگردانند.

مطابق قرارداد دوبلین، کشورهای اتحادیه اروپا موظف هستند اگر پناهجویی را که قبلاً در یک کشور دیگر اتحادیه اروپا بوده و از آنجا خودش را به کشور دیگری رسانده است، به همان اولین کشور اتحادیه اروپا بازگردانند که آن پناهجو قبلاً در آنجا بوده، یا از آنجا عبور کرده، یا ویزای آنجا را داشته و یا در آنجا درخواست پناهندگی داده بوده است. اما دادگاه عالی اروپا در بررسی شکایت چند پناهجو از افغانستان، ایران و الجزایر که از یونان خود را بریتانیا رسانده بودند به این نتیجه رسید تصمیم بریتانیا برای بازگرداندن این پناهجویان به یونان درست نمی‌باشد.

بر اساس این حکم، وظیفه کشورهای اتحادیه اروپا مطابق پیمان نامه های مرتبط با پناهجویان این می‌باشد که حقوق بنیادین آنها

**بدانیم، بیان‌دیشیم، بپاخیزیم!**



این کشتی که ظرفیت فقط ۱۰۰ نفر را داشته، ولی حدود ۲۵۰ پناهجو را حمل می‌کرده، بر اساس اطلاعات اولیه، در فاصله‌ی ۴۰ مایلی دریایی شهر ساحلی "پریگی" در جزیره‌ی جاوا غرق شده است. مقصد این کشتی جزیره‌ی "کریسمس آیلند" بوده که در نزدیکی سواحل اندونزی، ولی جزو خاک استرالیا است. این جزیره در ۲۶۰۰ کیلومتری شمال غربی استرالیا و حدود ۳۰۰ کیلومتری سواحل اندونزی قرار دارد.

به گفته‌ی یک امدادگر، هر یک از پناهجویان میان ۲۵۰ تا ۵ هزار دلار برای انتقال به خاک استرالیا به قاچاقچیان پول داده بودند. مقامات ساحلی اندونزی گمان می‌برند که بارش شدید باران و موج‌های بلند دریایی کشتی را به کام دریا کشیده و غرق کرده است.

با انتشار نخستین خبرهای غرق شدن این کشتی در استرالیا، بار دیگر بحث سیاست مهاجرت این کشور در مطبوعات شدت گرفت.

جیسون کلر، وزیر کشور استرالیا، در این رابطه اظهار داشت: «ما به فکر قربانیان و اعضای خانواده‌ی آنها هستیم». وی افزود: «هرگاه انسان‌ها سفر خطرناکی را در پیش می‌گیرند و با جان خود بازی می‌کنند، به شدت متأثر می‌شوم.» یان رینتول، از نهاد "شورای پناهندگان"، این اظهارات وزیر کشور استرالیا را "متظاهرانه" خواند و گفت، بهتر است به جای این حرف‌ها سیاست مهاجرت دولت استرالیا تصحیح و امکانات بهتری در این زمینه فراهم شود تا به چنین فجایعی نیانجامد.

تویاس بیلستروم وزیر امور مهاجرت سوئد به رادیو سوئد می‌گوید که ما در سوئد یک سیستم قضائی مطمئن داریم و تمامی ماجرا در برانامه کالیبر نیامده است. او می‌گوید که اگر به این پرونده که مثال زدید نگاه کنیم می‌بینیم که اول خود او می‌گوید که عراقی است که تلاش کردیم او را به این کشور بفرستیم. بعد او هویت خود را تغییر می‌دهد و می‌گوید که ایرانی است و باید ما از اول پروسه را شروع کنیم. همچنین در این گزارش نیامده است که آیا او مدارک شناسائی از سفارت ایران درخواست کرده است یا نه. البته در غیر این صورت بدون مدرک ورود به ایران مشکل خواهد شد.



### کشتی حامل صدها پناهجوی ایرانی و افغانی غرق شد



روز شنبه (۱۷ دسامبر / ۲۶ آذر) یک کشتی که بیش از ظرفیت خود مسافر حمل می‌کرده، در سواحل اندونزی غرق شده است. گفته می‌شود این کشتی حامل ۲۵۰ پناهجوی ایرانی، افغانی و عراقی بوده است. در پی این رویداد امدادگران اندونزیایی توانسته‌اند فقط حدود ۳۳ نفر را نجات دهند که در میان آن‌ها یک زن و دو کودک دیده می‌شوند. از سرنوشت دیگر پناهجویان اطلاعی در دست نیست. امدادگران توانسته‌اند از اظهارات نجات یافتگان دریابند که چگونه این فاجعه رخ داده است.

بر اساس این اظهارات، اغلب مسافران کشتی پس از آنکه از دوبی به جاکارتا پرواز کرده بودند، توسط قاچاقچیان با چهار اتوبوس، هر یک با ظرفیت ۶۰ نفر، به لنگرگاه منتقل شده‌اند تا آن‌ها را با کشتی به خاک استرالیا برسانند و تقاضای پناهندگی بدهند.

### نبود شرایط اخراج برای بسیاری از پناهندگان ایرانی



تعداد پناهندگانی که علیرغم دریافت منفی در کشورهای اروپایی باقی مانده اند به بالاترین سطح خود رسیده است. برنامه رادیویی کالیبر در گزارشی از رقم بالای ۱۸۰۰۰ انسان سردرگم در سوئد یاد می‌کند.

بیشتر این افراد به صورت مخفی زندگی می‌کنند اما نزدیک به ۷۰۰۰ پناهجوی در معرض اخراج که توسط پلیس شناسائی شده اند. در اغلب موارد فرستادن آنها از سوئد غیر ممکن است.

پس از تغییر قانون در سال ۲۰۰۶، امکان فرجام خواهی از حکم اخراج پناهجویی برداشته شده است. در این قانون اداره مهاجرت است که به تنهائی تصمیم می‌گیرد که آیا امکان اخراج این گونه پناهجویان از کشور وجود دارد یا نه. پلیس هائی که برنامه کالیبر با آنها گفتگو کرده است از سختگیری بی مورد و یک جانبه اداره مهاجرت در اصرار به اخراج پناهجویان انتقاد می‌کنند. استفان مارتینگو رئیس بخش اجرای حکم اخراج در پلیس اوپسالا است. خود او در تابستان همراه یک پناهجو به نام نبیل به ایران رفت و سعی کردند که او را تحویل مقامات ایران دهند. او می‌گوید که خود نبیل هم برای متقاعد کردن مقامات ایرانی در تهران تلاش می‌کرد.

او می‌گوید که خود نبیل نقش زیادی برای متقاعد کردن پلیس مرزی ایران برای صدور اجازه ورود به کشور بازی کرد و همه فامیل او هم چند متر آنطرف تر در فرودگاه بودند. اما او موفق نشد، ما هم نتوانستیم کاری بکنیم، نمی‌شد ثابت کرد که او ایرانی است و مدارک شناسائی معتبر نداشت. خود او خیلی تلاش کرد که به ایران برگردد اما نشد.

**بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!**



دلشاد روانبخش رسولی

### درد ادیبان کهن سرا ، فریاد اعتراض ادیبان نوین

این روزها در حالی بار دیگر تاریخ و مردم سرزمینمان نظاره گر آخرین تقلاهای حکومت غصب شده در بستر مرگ و سرنوشتی دیگری می‌باشند که بی شک دیگر جایی برای تکرار اشتباهات گذشته؛ با توجه به عصری که در آن سر می‌بریم باقی نمانده. در عصری که حتی جبران چند روز توقف روند تولید و پیشرفت کشوری در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ... مستلزم ماه‌ها تلاش دوچندان جامعه و بروز اختلال در روند توسعه و پیشرفت جامعه می‌باشد و بالطبع ایجاد شکاف‌های عمیق طبقاتی بیشتری را نیز رقم می‌زند دیگر مجالی برای بقای سربلندانه ملت‌هایی که با نادیده گرفتن تجربیات پیشینیان خود تاریخشان را تکرار می‌کنند باقی نمی‌ماند و سرنوشت چنین ملت‌هایی محتوم به استعمار شدن مطلق و شرطی شدن جامعه نسبت به وجود ظلم و قبول آن از سوی فرهنگ جامعه می‌باشد.

بیم آن دارم درد مشترکی که به گواه اسناد مکتوب؛ از حداقل هزار سال پیش بزرگان ادیب این سرزمین به صورت اشعار اعتراضی که جایجایی در قالب ایهام و جاهای دیگر بی‌پرده و صریح برایمان به

ارث گذاشته اند در این آخرین بزنگاه و فرصت تاریخی سرنوشت ساز همچون گذشته مورد بی‌مهری و بی‌توجهی جامعه حاضر در صحنه اصلی مبارزه و میدان عمل قرار گیرد و از آن درس فرا نگرفته باشند و همچون این یک قرن اخیر که روشنفکری و آغاز مدرنیته ایرانی همواره قربانی خرافات و دین زدگی جامعه‌ای خداترس و دیکتاتور منش بوده این آخرین صحنه مبارزات نیز به قتل گاه مردمان شریف و دیگر آزادی خواهان این سرزمین بدل شود و غوغاسالاران دجال مذهبی بار دیگر از خدا ترسی و دین زدگی مردمانی سنتی جهت رسیدن به مقاصد ایدئولوژیک خود بدون در نظر گرفتن اصول دموکراسی و مردم سالاری بهره جویند و این آخرین فرصت نوزایی جامعه ایرانی را با مکر و نیرنگ ضد انسانی همواره خویش بر باد دهند.

مگر نبود اعتراض اولیه کاوه آهنگر به ضحاک (اژی دهاک) همچون اعتراض " رای من کو؟"

چون او از دستور ضحاک مبنی بر کشتن فرزندانش جهت خوراک ماران بردوش ضحاک آگاه گشت بر خروشید و به بارگاه ضحاک آمد و فریاد اعتراض برآورد و چرم آهنگریش را بر سر چوب بیرق مانند بست (درفش کاویانی) و مردم به سطوح آمده از ظلم هزار ساله ضحاک با دیدن اعتراض دلیرانه کاوه در حمایت از او برخاستند و مردم درفش کاویان را برافراشتند، (چه اندر شب تیره خورشید بود و جهان را از او دل پر امید بود) و به رهبری کاوه علیه ضحاک بپا خواستند و پس از تصرف اصفهان و اهواز و براه افتادن جنگ‌های خونین بین آنان و سپاه ضحاک سرانجام با پیوستن فریدون در شهر "ری" به عنوان امیر لشکر کاوه؛ سپاه ضحاک را در طبرستان شکست می‌دهند (۲۸ تیر ماه به همین مناسبت جشنی بنام عید ماه در سواد کوه و اطراف آن برگزار می‌شود) و ضحاک بدست فریدون

در غاری در کوه دماوند به بند کشیده می‌شود و ایرانیان از شر ضحاک آسوده می‌شوند.

بیش از هزار سال پیش فردوسی توسی فریاد اعتراضی را از زبان اسطوره‌های کهن سرزمین اجدادیمان همچون فریاد اعتراضی امروز "رای من کو؟" "همکلاسیم کو؟" "نه غزه ، نه لبران ، جانم فدای ایران" و ... ده‌ها شعار دیگر برای ما به ارث گذاشته که ما فریب اهریمن صفتان دون مایه امروز را نخوریم و برایمان نگاشت:

**نهان گشت کردار فرزنانگان  
پراکنده شد کام دیوانگان  
هنر خوار شد جادویی ارجمند  
نهان راستی آشکارا گزند  
شده بریدی دست دیوانگان دراز  
به نیکی نرفتی سخن جزبه راز**

چه بسیارند از این دست ادیبان و فرزنانگان ناصر خسرو قبادیانی هزار سال پیش پس از سالها تجربه جهانگردی و نوشتن آثاری مانا در قصیده بلندی وصف حال این سه دهه منحوس حال ما را شرح می‌دهد. در جایی از این قصیده اینگونه نگاشته:

**وز مال شاه و میر چون نومید شد دلم  
زی اهل طیلسان و عمامه و ردا شدم  
جز درد و رنج چیز نیامد به حاصلم  
زان کس که سوی او به امید شفا شدم  
از شاه زی ففقیه چنان بود رفتن  
کز بیم مور در دهن ازدها شدم**

در حالی که یکی از پر فراز و نشیب‌ترین دوران خونینبار و جنون آمیز ادوار تاریخ دوره حافظ بود که شاهزاده‌های آل مظفر جهت دستیابی به قدرت چشمان فرزندان و پدر خود را در می‌آوردند و برادر سر می‌بریدند و شهر شیراز دائماً در دستان خونین حاکمانی غاصب و خونخوار در

ادامه مطلب در صفحه ۱۷

**بدانیم، بیان‌دیشیم، بپاخیزیم!**

مردمشان از جان خود گذشتند اما رخت خفت و خوش خدمتی بر تن نکردن به نظر نگارنده خونی که باید در راه نوزایش ایرانی ریخته شود یا همان بهای جسمی که باید در قبال نوزایش ایرانی داده شود پرداخت شده. تنها کمبود عملی شدن این فرایند پرداخت بهای فکری ای است که هنوز به حد نصاب لازم نرسیده. نیاز ما از میان بردن خرافات تحمیلی مداحان و ملایان منبری به مردم و خط بطلان کشید روی مباحث کشدار (اسکولاستیک) مذهبی است که از طرف آخوندهای حوزوی جهت سرگردانی و دست به سر کردن جامعه و چپاول مال و ناموس آنان صورت می‌گیرد است.

بر ماست که امروز با پند گرفتن از پیشینیان خود همچون ندایی که از سرش خجسته به فریدون آمد که "ضحاک را نکش" و او را در غاری تنگ و تاریک در دماوند به بند کشان ما نیز می‌بایست پس از چیره شدن بر این استبداد مذهبی ضد انسانی حاکم بر سرزمینمان هیچ کدام از آمران و عاملان جنایات رژیم آخوندی را اعدام نکنیم تا هم سر مشقی برای از ریشه بر کنن مجازات‌های ضد انسانی در قانون اساسی فردای ایران باشیم هم جنایات این خونخوارگان را به دست خودشان برای عبرت آیندگان مکتوب کنیم و این خاطرات جنایات را در مقبره‌ها و لانه‌ها و مراکز اختاپوسی و شکنجه گاه‌های رسمی و غیر رسمی آنان به شکل موزه عبرت و بازدید عموم مردم جهان جهت دریافتن عمق جنایاتی که بر مردم ما در پی توطئه‌های بیگانگان و خیانت خودروشان خودی رفته است را به نمایش گذاریم.

**تا کی در انتظار قیامت توان نشست  
بر خیز تا هزار قیامت بپا کنیم**

**به امید ایرانی، آباد، آزاد و سربلند**

دوران معاصر ادیبان و فرزانشان و روشنفکرانی که از میان این مردمان سر بر آوردند از جمله: محمدتقی بهار ملقب به ملک‌الشعرا، میرزاده عشقی، میرزا علی‌اکبر صابرو، علی‌اکبر دهخدا، احمد شاملو، پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی و فروغ فرخزاد و... و ده‌تن دیگر. عده‌ای که به جرم حقیقت‌گویی و تابانیدن نور علم و پژوهش به چشمان بسته جامعه مورد کینه و توطئه سیاست‌پیشگان هم مذهبی هم ضد مذهبی قرار گرفتند از جمله سید احمد کسروی تبریزی (۸ مهر ۱۲۶۹، ۲۰ اسفند ۱۳۲۴) تاریخ‌نویس، زبان‌شناس، پژوهش‌گر و اندیشمند. احمد کسروی در داخل ساختمان کاخ دادگستری تهران در سکوت دولت و روشنفکران وقت، با فتوای آیت الله بروجردي و فتوای آیت الله صدر (پدر امام موسی صدر) توسط گروه فدائیان اسلام به اتهام الحاد و ارتداد، با ضربات متعدد چاقو به قتل رسید.

فریدون فرخزاد (۱۵ مهر ۱۳۱۷ در تهران - ۱۶ مرداد ۱۳۷۱ در بن آلمان) شاعر، برنامه‌ساز رادیو و تلویزیون، خواننده، مجری تلویزیونی و رادیویی، ترانه‌سرا، آهنگساز، بازیگر و فعال سیاسی ایرانی معترض به حکومت جمهوری اسلامی ایران بود که سرانجام در ۱۶ مرداد ۱۳۷۱ (۶ اوت سال ۱۹۹۲) در محل سکونتش در شهر بن بر اثر ضربات چاقو توسط عوامل جمهوری اسلامی به قتل رسید. از آنجا که پرونده قتل‌های زنجیره‌ای ایران پیگیری نشد، عاملان و آمران قتل مشخص نشدند.

حمید حاجی زاده شاعر و دبیر ادبیات کرمانی، متخلص به «سحر» (بود که از قربانیان سلسله قتل‌های سیاسی موسوم به قتل‌های زنجیره‌ای می‌باشد. وی به همراه پسر ۹ ساله‌اش «کارون» مجموعاً با ۴۳ ضربه چاقو (کارون ۱۶ ضربه و سحر با ۲۷ ضربه) به گونه‌ای دلخراش قطعه قطعه شدند.

صادق شرفکندی، فروهرها، محمد مختاری، احمد تقضلی، محمدجعفر پوپنده و ده‌تن دیگر که در راه رهایی

چرخش بود و چنین ایامی به کام ملایان و محتسب‌ها بود که هر آنچه خواهند به نام دین خدا بر سر مردم آورند و نقد کنندگان دین را هزاران بار خطر مرگ بیشتر. چنانکه خود حافظ در این دوران گفته:



**خدایرا به میم شست و شوی خرقة کنید  
که من نمی شنوم بوی خیر از این  
اوضاع**

انتقاداتی که عطار، سعدی، مولانا و خیام بر دین وارد کرده اند در شرایطی عنوان شده اند که کشور در شرایطی ایده آل نسبت به شرایط حاکم بر زمان حافظ قرار داشت و به همین خاطر حافظ مجبور به ایهام سرایی نسبت به دین بوده و به همین لحاظ برداشت از اشعار حافظ مردم را که اغلب در این زمینه‌ها بی اطلاع هستند به اشتباه می‌اندازد و تعبیرات اشتباه از اشعارش می‌شود. در حالی که شخصیت‌های ادبی پیشین که نامشان ذکر شده هر کس بنا به شرایط حاکم بر کشور و موقعیت ایشان فارغ البال تر به نقد دین پرداخته اند و تظاهر به می‌گساری و راه میخانه به کعبه باز کردن را به نوعی ابزار اعتراضی جهت مبارزه بدون خشونت با دین اجباری و تحمیلی حاکمان آن زمان بر ایرانیان بوده. و بزرگانی چون: ابومحمد عبدالله ابن مقفع، زکریای رازی و ابوعلی سینا و ... همچنان در

**بدانیم، بیان‌دیشیم، بپاخیزیم!**

علیرضا حسنی

## بازسازی تمدن و عدالت اجتماعی در جنبش بابک خرمدین



بهبود نظامهای اجتماعی، در گذار از هر مرحله تاریخی به مرحله نوین دیگر صورت می پذیرد. در حقیقت، بدرستی سپری شدن هر مرحله از این نظامها، جلوه تمدن جامعه است. از آغاز عصر مادها تا پادشاهی ساسانیان، نمود سیر مرحله فتوادی کهنه و پیدا شدن نمادهای مرحله جدیدی از تمدن است. پیامد این تمدنها یعنی پله های رشد فرهنگ جامعه، با انقراض پادشاهی ساسانیان و حمله اعراب به سرزمین ایران، انتقال نظام اجتماعی ایران از مرحله ای به مرحله متمدن تر، دچار بزرگترین و آماندگی و پس رفت تاریخی و فرهنگی شد. پس رفت به هر آنچه نزد ایرانیان در این برهه بدور از تمدن بود، نزد اعراب پسندیده می آمد. لذا پیدایش این تناقض، موجب نارضایتی ایرانیانی شد که شاهد این تحول قهقرائی بودند. زیرا این نظام اجتماعی از نظر تاریخی مدتها بود که در ایران عمرش به سر رسیده بود، در نتیجه بر آن شدند تا با رهبری بزرگمردانی چون بابک خرمدین که اندیشه مساوات و برابری را در سر داشت، به پا خیزند و سیر تمدن خود را زنده نمایند.

بابک همان کسی است که آموزه های اعتقادی او نسبت به انسانها در برخورداری اقشار از تمام هستی به یک اندازه، پایه های مبارزاتش را تشکیل می داد. او شاد زیستن را در گرو مساوات و برابری می دانست. از اینرو دریافته بود که نظام اجتماعی اعراب در ایران، یعنی سلب مساوات، رواج فرهنگ بدویت و زورگویی و در نهایت تخریب زیر ساختارهای تمدن ایرانی. واضح خرمدین اساس تعالیمش را بر تحقق حداکثر عدالت در جامعه بنیاد نهاده بود و آزادی انسانها را در

عدم تمکین در برابر اربابان قدرت معنی می کرد. جنبش خرمدینان یا همان سرخ جامگان در زمان خلافت عباسی از حدود گرگان تا ری و اصفهان و همدان و مرزهای ارمنستان گسترده بود. طبری تاریخ نویس بزرگ در حوادث سال ۱۹۲ق از شورش خرمدینان در آذربایجان خبر می دهد و نشان می دهد که در جریان گرفتاریهای دولتمردان عباسی در جنگهای مأمون و امین، زمینه های مساعدی برای دامنه گرفتن جنبش سرخ پرچمان فراهم آمده است. با افتادن رهبری جنبش سرخ پرچمان به دست بزرگمردی به نام بابک این جنبش در سال ۲۰۰ق وارد مرحله نوینی شد و رسماً نام جنبش خرمدینان به خود گرفت و یک ایدئولوژی مشخص را مطرح کرد که گویا هدفش براندازی دین و دولت عربی در ایران بود.

تاریخ نویسی به نام ابن حزم می نویسد «ایرانیان از نظر وسعت ممالک و فزونی نیرو بر همه ملتها برتری داشتند و خود را برترین ذات بشری می دانستند و به خود لقب آرادگان داده بودند از این جهت استیلای اعراب را بر نمی تابیدند و هر بار به رهبری یکی از بزرگمردان ایران به مقابله با آنان می پرداختند که نهضت خرمدینان نخستین نهضت زیرزمینی ایرانیان بود که منجر به انقلاب بزرگ شرق توسط ابومسلم خراسانی شد» به پا خاستگان ایرانی به رهبری بابک، با شعارهای مساوات طلبانه، خواستاراز بین رفتن نظام بهره کشی، براندازی اعراب و تقسیم اراضی به همگان برای انتخاب کار و آزادی انسانها و نهایتاً عدالت اجتماعی بودند.

آنها سالیان متمادی بود که قبل از اعراب از این مرحله تاریخی عبور کرده بودند. در حقیقت، نمودار پیشرفته تری از فرهنگ و تمدن را برای خود متصور بودند، آنها با سنگ نوشته های کورش کبیر که همانا بر دلشان نگاشته شده بود، آینده دیگری را در جریان زندگی شان می خواستند، حمله، غارت، زورگویی و تجاوز که ره آورد حمله اعراب بود، در قاموس ایرانی جایی نداشت.

خرمدینان نفع خودشان را در سعادت دیگران می دیدند و آسیب رساندن به طبقات مردم، معنی جز از بین رفتن شادی و سعادت نداشت. مرکز فعالیت بابک در آذربایجان بود که انبوهی از اعراب در شهرها و روستاهای آن اقامت گزیده بودند. هدف او از میان بردن سلطه اربابان عرب بود که حدود

دو قرن مردم آن دیار را تاراج می کردند. قبایل عرب با حملات خود اموالک و زمینهای مردم را قبضه می کردند و همان مردم را چون بردگانی به بهره کشی برای خود می گماشتند و اگر کسی از این جور فریاد بر می آورد، خود و خانواده اش نابود می شد. می توان تصور کرد که مردم درمانده با چه تلخکامی در برابر مصیبتها شکیبایی می کردند تا وضعیتشان از آن چه هست بدتر نشود. بابک خوابیدن در چنین سیاهی را دست شستن از عقاید عدالت خواهیش می دید. و بر آن شد تا به ستمهای بی حد حصر فتوآلهای عرب پایان دهد.

اعزام نیروهای عباسی برای جنگ برابر بابک در سراسر سالهای ۲۰۶ تا ۲۱۲ق ،جملگی با پیروزی بابک همراه بود چنانکه دامنه جنبش بابک تا اصفهان و همدان گسترش یافت. حمایت روستاییان از عقاید و افکار حق خواهی بابک، به مبارزات این رهبر بزرگ انگیزه و نیروی بیشتری می بخشید. با پیشروی این جنبش، خیمه های شاد زیستن در سایه های مساوات و برابری برپا میشد. اما اعراب ، گنج یافته شده رانمی خواستند با چنین شورش از دست بدهند. از اینرو، معتصم از ابتدای حکومت خود، تمام قوای خود را برای سرکوب این صدای مردمی، متمرکز کرد، تا جایکه بواسطه فرماندهی افشین، یکی از شاهزادگان ایرانی که قبلاً هویت خود را به اعراب سپرده بود، علیه این جنبش توطئه کرد و با همدمستی خیانتکاران دیگری که اعتماد بابک را به خود جلب نموده بودند، نسبت به از بین بردن این دادخواهی مردمی اقدام نمود.

مبارزات بابک و حمایت او از مردم زحمتکش ، جایگاهی در قلمرو دینمداران منفعت طلب نداشت، بدین ترتیب زندگی بابک پس از ۲۲ سال پیروزی پی در پی و امیدهای فراوانی که ایرانیان به او بسته بودند با کشته شدن در جنگ با افشین پایان یافت تا تاریخ بدانند که سردمداران دینی و واعظان مردم در خلوتگاه خود، دشمن توده های تحت ستم و همدست زورمنداند و در جنایت اندیشمندان مردم محور ابایی ندارند. اکنون پس از سالها اندیشه های این آزاد مرد در روح ایرانیان به جریان خود سرعت داده است و حقایق تاریخ یکی پس از دیگری از خاکسترهای به جا مانده از این جنایت سربرمی آورد تا عبرتی باشد برای نسلهای حال و آینده .

## بدانیم، بیانیشیم، بپاخیزیم!

## اعضای کانون دمکراتیک پناهندگان برآند که:

- جمهوری اسلامی به عنوان سد و مانع مبارزات رهایی بخش مردم ایران در جهت رفع ستم طبقاتی و استثمار فرد از فرد، محکوم به نابودی است و باید در وحدت عمل مبارزاتی با مبارزان دلیر داخل کشور به زباله دان تاریخ سپرده شود. سرنگونی رژیم اسلامی در تمامیت راه حل کنونی برای برقراری دمکراسی در ایران است.
- هرگونه دخالت خارجی چه از طریق اتحادیه اروپا و چه از طریق آمریکا، با قاطعیت مبارزاتی مردم ایران روبرو خواهد بود و درمورد حکومت آینده ایران فقط مردم ایران تصمیم خواهند گرفت نه بیگانگان که همیشه به فکر اپوزیسیون دست ساز برای خلق های محروم جهان هستند.
- هرگونه تجاوز نظامی به ایران را محکوم می کنیم و علیه تجاوز توسعه طلبانه و استعماری ایستاده ایم.

### مسئولین ماهنامه

مدیر مسئول:

هیئت اجرایی کانون دمکراتیک پناهندگان

سردبیر: خسرو حسنی

هیئت تحریریه:

علیرضا حسنی، کامبیز فرمانبر، مهدی رضائی

دلشاد روانبخش رسولی

رادیو ندای مقاومت

رادیوی کانون دمکراتیک پناهندگان

<http://www.nedaye-moghavemat.ch>



پناهجویان، پناهندگان و ایرانیان آزاده، جهت ارسال خبر برای نشریه کانون، می توانید با شماره تلفن های مسئولین کانون دمکراتیک پناهندگان تماس بگیرید.

### ارتباط های کانون

برای ایجاد ارتباط با کانون، اطلاع رسانی از اوضاع پناهندگان و تقاضای عضویت در کانون، با پست الکترونیکی و تلفن های زیر تماس بگیرید.

- کانتون زوریخ: حمید عبدالقفاری ۰۷۸۳۰۳۰۹۸۳
- کانتون برن: ناصر مومنی ۰۷۸۷۶۱۰۲۳۲
- مسئول شهر برن: مهناز کیانی ۰۷۶۴۲۲۷۸۱۵
- کانتون سولوتون: عباس بهادری ۰۷۹۲۳۰۶۹۵۲
- کانتون بازل: ارسلان پناهی ۰۷۹۳۸۷۷۳۴۷
- کانتون لوتسرن-شوویتس: اصغر طهمورثی ۰۷۶۲۶۴۳۳۱۶
- کانتون سن گالن: صادق انشانی ۰۷۶۴۲۲۲۹۲۱
- کانتون آرگانو: فریبرز معینی ۰۷۹۸۵۳۶۹۶۲
- کانتون شاف هازن: فواد جهانی ۰۷۶۴۰۲۲۳۴۳
- کانتون نوشاتل: رضا بهرمن ۰۷۹۸۴۴۱۵۴۰
- کانتون فرایبورگ: محمد زلالی ۰۷۸۶۵۶۶۷۱۹
- کانتون اب والدن: ابوالقاسم فرج اله ۰۷۶۳۹۶۴۴۳۲
- بخش زنان: لیلا محمد قلی خانی ۰۷۸۶۷۴۲۵۱۰

پست الکترونیکی و سایت کانون:

[www.kanoun.ch](http://www.kanoun.ch)

[info@kanoun.ch](mailto:info@kanoun.ch)

آدرس بانکی جهت کمک مالی:	آدرس پستی، تلفن و فاکس مسئول کانون:
Postbank Konto: 87- 441728 -5 Demokratische Vereinigung für Flüchtlinge (DVF)	Postfach 3562 Zürich 8021  Tel:+41-079 402 6409 Fax:+41-043 535 6159

**بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!**

### تصاویر تظاهرات روز جهانی حقوق بشر

۱۰ دسامبر ۲۰۱۱



## اتحاد ، مبارزه ، پیروزی